

بیانات در مراسم بیعت دانشجویان / ۱۳۴۸/۰۲/۲۲

ما قوی هستیم و به عزت پروردگار عزیزیم؛ منتها شما دانشجویان نقش خودتان را فراموش نکنید. آگاهی سیاسی کسب کنید و نسبت به آنچه که می‌گذرد، هوشیار باشید و انگیزه و تپش جوانانه‌ی انقلابی متناسب با قشر شما، در خدمت هدفهای نظام قرار گیرد. عده‌یی از افراد ساده‌اندیش خیال می‌کنند که اگر دانشجویان بخواهد حضور انقلابی داشته باشد، راهش این است که بر سر مسئولان خود داد بکشد؛ خیر، اینک انقلابی‌گری نیست. آنجایی که می‌بینید دانشجویان بر سر مسئولان امر داد می‌کنند، مسئولان با دانشجویان هم‌جهت نیستند؛ آنها مزدور امریکا هستند و این جوانان نمی‌توانند طاقت بیاورند و بالاخره فریاد اعتراض می‌کشند؛ کم‌اینکه در رژیم گذشته همین‌گونه بود و دانشجویان و طلبه و مردم و وجدانهای بیدار و انسانهای شجاع و روحهای سالم، بر سر مسئولان امر داد می‌کشیدند. مبدا عده‌یی به صورت فریب‌انگیز و با ترفندهای گوناگون بیایند و به چند جوان ساده تفهیم کنند که دانشجویان بایستی فریاد بکشند! بله، فریاد باید کشیده شود؛ ولی بر سر امریکا و قدرتهایی که مزاحم مسئولان و اداره‌کنندگان نظام هستند. در هر دانشگاهی که تحصیل می‌کنید، حضور دانشجویی خود را به صورت قوی و با خط درست حفظ کنید. عزیزان دانشجویان و جوانهای خوب و باصفا و سالم! تا آنجا که در توان و قدرت شماست، در محیط دانشگاه یکپارچگی خود را حفظ کنید و نگذارید نامهای گوناگون، به معنای جهت‌گیری‌های گوناگون تلقی شود و نیروهایی که باید به سمت دشمن بایستند و موضع بگیرند، روبه‌روی هم قرار گیرند؛ مواظب این خطر باشید. مطلقاً نباید اسمها و عنوانها، دیوار به وجود آورند و مرز ایجاد کنند. طرح عناوینی مثل دانشجویان این وزارت و دانشجویان آن وزارت، دانشجویان این دانشگاه و دانشجویان آن دانشگاه، دانشجویان دولتی و دانشجویان غیر دولتی، انجمن اسلامی اینجا و انجمن اسلامی آنجا، خطرآفرین است.

بیانات در مراسم بیعت اصناف و روستاییان / ۱۳۴۸/۰۲/۱۲

بعضی از کسبه با مردم برخورد شایسته نمی‌کنند و آن امانت لازم را که برای کاسب حبيب خدا لازم است، رعایت نمی‌کنند و منتظر بهانه‌اند تا کلاً نظام کسب و معامله‌گری را زیر سوال ببرند. در این خصوص، نظر اسلام روشن و مشخص است. اسلام نظام خرید و فروش و معامله و تجارت را امضا و تایید کرده است. کسانی که در این نظام افساد می‌کنند و کار خلاف انجام می‌دهند، اگرچه دستگاه‌های دولتی باید به کارهای خلاف آنها رسیدگی کنند، اما جو و محیط کار شما می‌تواند فشار زیادی روی آنها وارد آورد. جوانهای مومن بازاری و افراد غیور و انقلابی باید مراقب باشند که در محیط کسب و کار و بازار، به حیثیت انقلاب و اسلام لطمه و صدمه نخورد. همه‌ی ما در مقابل اسلام و انقلاب و دین و قرآن، مسئول و مدیون و بدهکاریم، که باید این بدهکاری را ادا کنیم. امروز بحمد الله در سطح عالم، نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مستحکم و تثبیت‌شده و کاملاً جاافتاده معرفی شده و دشمن را دچار حیرت کرده است. این، به برکت ایمان قوی مردم و مخصوصاً وفاداری عموم قشرهای ملت نسبت به امام و انقلاب است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۴۸/۰۷/۰۵

علت اینکه ما ملت ایران، در ده سال بعد از انقلاب توانستیم در مقابل تهاجم گوناگون دشمن - با همه‌ی مشکلات آن - بایستیم و مقاومت کنیم و ضرر بیشتری متوجه آنان نکنیم، این است که به برکت دین و ایمان و انقلاب و اسلام و آموزش قرآنی و اسلامی شخصیت عظیم‌الشانیه که بیان و سخن و کلامش، مفاد و مضمون قرآن و اسلام بود، در میان مردم ما روحیه انقلابی و پارسایی انقلابی و وحدت کلمه‌ی بیشتر حکم فرما بود. دشمنان ما - عراق و امریکا و شرق و غرب - از اتحاد خود و حمله و فشار به نظام جمهوری اسلامی، طرفی نیستند. علت موفقیت ما این بود که شما جوانان در صحنه بودید، ملت آماده بود و روحیه انقلابی بر جریانهای غیر انقلابی و ضد انقلابی غلبه داشت. تا وقتی این‌گونه باشد، تهدیدهای دشمن عملی نخواهد شد. تهدید و سو نیت دشمن و خطر وجود دارد؛ اما تا شما در صحنه هستید، این خطر تحقق پیدا نخواهد کرد.

بیانات در دیدار انمهی جمعه و اقشار مختلف مردم / ۱۳۴۸/۰۸/۰۲

برای بازسازی و آبادانی و عمران سرتاسر کشور، برای تقویت دولت و برای پیشرفت هدفها و برنامه‌های اقتصادی‌ای که مسئولان طرح می‌کنند، همه‌ی مردم خودشان را متعهد بدانند. این، به آبادی کشور خواهد انجامید و همان چیزی است که همیشه چهره‌ی انقلابی ملت ما را در مقابل ملت‌های دیگر، چهره‌ی باصلاحت و قدرت‌مندی نشان خواهد داد و این رابطه‌ی معنوی حفظ خواهد شد. البته، تأییدات الهی شرط اول است. باید رابطه‌ی قلبی با خدا را قویا حفظ کرد. باید حالت تقوا و پرهیزگاری و معنویت را که در انقلاب ما بوده و هست و باید باشد، قویا حفظ کنید. در این کار، مخصوصاً جوانها باید پیش‌قدم باشند؛ زیرا محبوب‌ترین انسانهای جامعه در نزد پروردگار، جوانهای پارسا و پرهیزکار و مومن هستند. این، برکات الهی را جلب می‌کند و روح نشاط اسلامی را در جامعه زنده نگه می‌دارد. این رابطه‌ی قلبی و ارتباط معنوی با خدا را حفظ کنید. خدای متعال هم، الطاف و فضل و فیض و کمک خود را بر شما نازل خواهد کرد.

بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان / ۱۳۴۸/۰۸/۱۰

در حرکت عظیم ملت ایران، نسل جوان باید پیشرو باشد. برای نسل جوان - بخصوص نسل جوان دانشجویان - بی‌تفاوتی و خون‌سردی جایز نیست. آن جوانی که به سرنوشت کشور نیندیشد و حوادث و خصومت‌هایی را که نسبت به کشورش در دنیا سازماندهی می‌شود، نبیند و نسبت به آنها نجوشد و نخروشد، آن جوان لایق این نیست که نام جوان شهروند یک ملت انقلابی را روی خودش بگذارد. روح جوان، آن روح پر تپشی است که در سختیها، به داد کشور و ملت رسید و آنها را نجات داد. جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذارهای زیادی می‌کند؛ حواستان جمع باشد. عده‌یی را به بی‌تفاوتی می‌کشاند و عده‌یی را دلسرد و مایوس می‌کند. یاس، بزرگترین آفت جوان است. جوانها بدانند که متأسفانه یاس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید این‌گونه است. در مقابل یاسی که دشمن می‌خواهد به جوانها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید. امروز، هر اندیشه‌یی که جوان را دچار این احساس بکند که از مسوولان و پیشروان انقلاب و مدیران کشور جداست، این اندیشه و تفکر، از نوع همان تفکرات سیاسی غلط تزریق شده است. امروز باید ملت و دولت، پشت به پشت و دست به دست هم و در کنار یکدیگر، با تمام توان تلاش کنند تا همه‌ی طلسم‌های استکبار و سلطه را بشکنند و از بین ببرند. این، صحنه‌ی بسیار مهم و حساسی است. تفکری که شما را هدایت خواهد کرد و باید بکنید، تفکر اسلامی است. باید در دانشگاهها به تفکرات اسلامی و کار اسلامی، خیلی اهمیت بدهید.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۴۸/۰۹/۲۱

باید به ذهنیت دانشجویان و جوانان و اعتقادات و روحیه اسلامی و انقلابی آنها، خیلی توجه بشود. حقیقتاً جوانان موتور و راه‌اندازنده‌ی حرکت‌های بزرگ - هم مثبت و هم منفی - در جامعه هستند. اگر ما بتوانیم این مجموعه‌ی جوان با فرهنگ را که در نقطه‌یی به نام دانشگاه جمع شده‌اند، به سمت روحیه انقلابی و

اسلامی جهت بدهیم، به نظرم می‌رسد که کشور و انقلاب، بزرگترین سود را از این بابت خواهد برد. در گذشته، دانشگاه نقطه‌ی بی بود که در آن، بی‌فرهنگی اسلامی بیش از جاهای دیگر و یا در ردیف بدترین جاها بود. این، کاری بود که رژیم و دستگاه‌های فرهنگی گذشته دنبال می‌کردند و توجه داشتند که این کار در دانشگاه‌ها انجام بگیرد. مقاصد سیاسی پشت سر این قضیه بود. به نظر من، امروز باید طوری باشد که ورود در دانشگاه، مثل ورود در حوزه‌ی علمیه باشد. همچنان که در حوزه‌ی علمیه، انسان معرفت و دین و تعبد می‌آموزد، کسی هم که به دانشگاه وارد شد، حتی اگر از میانی

بیانات، سال ۱۳۶۸، ص: ۲۸۲

اسلامی و انقلابی فاصله هم دارد، دانشگاه در طی این مدت، او را با میانی اسلامی و انقلابی آشنا کند و متعبد سازد. به همین خاطر است که بایستی به تربیت دینی و گرایشها و روحیه‌ی پرشور انقلابی جوانان در دانشگاه اهمیت داد. فقط با زبان هم نمی‌شود. این کار، مقدماتی لازم دارد. عناصری که در دانشگاه‌ها به کار گرفته می‌شوند، آنهایی که موثرند، آنهایی که در مراکز حساس واقع می‌شوند، واقعا باید از کسانی باشند که این انقلاب را از بن دندان قبول داشته باشند. البته ما نمی‌خواهیم بگویم که هر استاد و یا متخصصی که در دانشگاه‌ها تحقیق و یا تدریس می‌کنند، بایستی یک انقلابی طراز اول باشد. نه، ممکن است این فرد کاملا قابل قبول باشد و دانش وافر داشته باشد و انقلاب از دانش او استفاده کند. ما بیش از دانش او، چیزی از او نمی‌خواهیم. منتها در همین مورد هم نباید انگیزه‌ی ضدیت با انقلاب در او وجود داشته باشد؛ چون اگر این انگیزه وجود داشت، دانش او در اختیار انقلاب قرار نخواهد گرفت.

پس، در مراکز حساس و سربندهای اداره‌ی امور دانشگاهی- چه اداره به معنی رسمی آن و چه اداره‌ی امور فکری و تدریس و امثال این‌ها- کسانی که مسئول می‌شوند و کارهای مهم دست آنهاست، واقعا باید از عناصر انقلابی باشند. دیگران هم انگیزه‌ی ضدیت با انقلاب در آنها نباشد. اگر واقعا کسی انگیزه‌ی مخالفت با انقلاب در وجودش باشد، حضور او در دانشگاه- در هر سطحی که باشد- مضر است؛ برای تحصیل هم مضر می‌باشد. من این واقعیت را در بعضی از رشته‌هایی که می‌توانستم در باره‌ی آنها قضاوت کنم، مشاهده کرده‌ام. استادی که توانایی تربیت شاگرد در آن رشته را دارد، ولی بر اثر بی‌اعتنایی یا مخالفت با انقلاب، حتی وقت نمی‌گذارد که دانشجو را در آن رشته تربیت کند، در حقیقت برای او، تربیت دانشجوی انقلابی و دانشگاه انقلاب، یک انگیزه نیست؛ بلکه نسبت به این قضیه ضد انگیزه دارد.

البته، دانشجویان عناصر آینده‌ساز این کشور هستند و بایستی از همه جهت- چه از جهات فکری و چه از جهات علمی و درسی و به تبع آن از لحاظ مادی و رفاهی- روی آنها سرمایه‌گذاری‌هایی بشود که اطلاع دارم بحمد الله دولت مشغول است و برنامه‌های خوبی برای این قضیه دارد. امیدواریم ان شا الله این برنامه‌ها به نتیجه برسد.

بیانات در دیدار معلمان و کارگران / ۱۳۶۹/۰۲/۱۳

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رکن رکن و پایه‌ی محکم دفاع از انقلاب و به تعبیر امام عزیزمان (ره)، یکی از دو بازوی نیرومند مسلح جمهوری اسلامی است. ایشان، دو بازویشان را این‌طور بلند کردند و به من فرمودند: یک بازو، ارتش است؛ یک بازو، سپاه. قوام سپاه، به روحیه‌ی انقلابی و ایمان این جوانان پرشور و مومن است. این ایمان، بایستی هم حفظ بشود، هم تقویت گردد و هم از جهات اعتقادی و فکری، با روشن‌بینی و عمق فکری، همراه بشود. این کار را که عقیدتی، سیاسی می‌کند، وظیفه‌ای بسیار مهم است. مسئولان سپاه باید همکاری بکنند، تا این برادران بتوانند این وظیفه را بخوبی انجام بدهند و ان شا الله خیر و صلاح این کار، به انقلاب و کشور برمی‌گردد.

سخنرانی در دیدار با مسوولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها و اقشار مختلف مردم / ۱۳۶۹/۰۵/۲۳

ما آمادگیهای خود را برای مقابله با استکبار، همیشه حفظ می‌کنیم؛ همین حالا هم آماده هستیم. ما قصد تجاوز به هیچ‌کس را نداشتیم، بازهم نداریم؛ اما آماده‌ایم که برای مقابله با تجاوز هرکس که باشد اقدام کنیم. صدام هم که تجاوز کند، تودهنی خواهد خورد. امریکا هم که تجاوز کند، تودهنی خواهد خورد. جوانان دانشجوی در محیطهای دانشگاه، به درس و علم و روحیه‌ی انقلابی و اسلامی، حد اکثر اهمیت را بدهند. جوانان بیند که امروز و آینده، چقدر به وجود آنها احتیاج است؛ خودش را برای آینده بسازند. امروز هم جوان دانشجوی باید مثل همیشه، پیش‌تاز و پیش‌گام حرکت انقلابی باشد و خودش را شایسته و صالح برای این مسئولیتهای بزرگ قرار بدهد.

سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از طلاب و دانشجویان به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه / ۱۳۶۹/۰۹/۲۸

فشر جوان بایستی همیشه نسبت به مسائل انقلاب احساس مسولیت کند و خودش را از مسائل انقلاب برکنار نماند. انقلاب، امروز چه تکلیفی را به او املا می‌کند؟ از او چه می‌خواهد؟ او چه نقشی می‌تواند در پیشبرد انقلاب داشته باشد؟ وظیفه‌ی او چیست؟ فشر جوان باید از خیل عظیم مردم ما - که بحمدالله همیشه در صحنه‌های انقلاب حاضرند - جدا نشود و به رشد و آگاهی و با سواد شدن آنان کمک کند. در دانشگاه باید به روی مردم باز باشد و دانشجوی در محیط دانشگاه محصور نباشد. دانشجوی باید با اعضای خانواده‌ی خود و با دوستانش، ارتباطات روشن‌گر داشته باشد و در مسائل کشور و مسائل جامعه سهیم باشد.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۰/۰۸/۱۵

اینکه شاید شما در بعضی از کتابها یا مقاله‌ها خوانده‌اید که در بعضی از کشورهای امریکای لاتین یا شرق آسیا، نسل جوان غرق در فسادهای گوناگون است از مواد مخدر و سکرآور و فساد جنسی این‌طور نیست که روال کار از اول چنین بوده است؛ این سیاست پیاده شده است. متأسفانه در دوران ستم‌شاهی، ما هم از این قضیه برکنار نبودیم. در این کشور هم به دست خاندان خائن و سیه‌روی پهلوی و دستیارانشان، هرچه توانستند، این سیاست را پیاده کردند. البته کشورهای اسلامی خصوصیتی داشتند، که همان «اسلام» بود؛ و کشور ما در بین کشورهای اسلامی خصوصیت دیگری اضافه‌ی بر آن داشت، که آن «روحانیت مردمی» بود؛ و می‌دانید که در کشورهای دیگر اسلامی، به این شکل ایران نبوده، هنوز هم نیست. اسلام و تبلیغات اسلامی، جلوی آن موج سهمگین ایستاد، شعارهای انقلابی و حرکت کوبنده‌ی امام عالی‌مقام و عظیم‌الشان، کار را بر دشمن مشکل کرد. در بحبوحه‌ی همان موج فسادآفرینی که بر این کشور حکومت می‌کرد، جلوه‌های ایمان و سرسپردگی به دین، باز اول در بین جوانان خود را نشان داد.

من پدران و مادران متوسطی را می‌شناختم که طاقتم همراهی کردن با احساس دینی جوان خودشان را نداشتند؛ حتی گاهی از احساسات دینی و تعبد و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و به خوراک و به آسایشی که در جوانانشان مشهود بود، پیش ما شکایت می‌کردند! آن پدران و مادران، با همان تربیتهای غلط رشد کرده بودند، مسلمان هم بودند؛ اما این جوشش ایمان اسلامی در آنها نبود؛ ولی جوانانشان تحت تاثیر تربیت انقلابی قرار گرفته بود؛ به همین خاطر بود که جوانان، خانواده‌ها را پشت سر خودشان می‌کشیدند؛ و این شد که آن قیام عظیم مردمی و آن حرکت بی‌نظیر در عالم یعنی انقلاب اسلامی ما به رهبری امام و با پشتیبانی قاطبه‌ی ملت و با میدان‌داری جوانان به پیروزی رسید. این یک فتح بود؛ هم فتح میدان مبارزه با استکبار بود، و هم بالاتر از آن، فتح سرزمین دل جوانان بود؛ که این را اسلام و انقلاب و امام کرده بودند، و این فتح الفتوح بود. بزرگترین کار امام، ساختن جوانان بود.

بعد از آن هم در دوران جنگ، باز جوانان بودند که جنگ را با خسران دشمن تمام کردند. این شهدای جوان، این رزمندگان جوان، این دست‌اندرکاران جوان عرصه‌های جنگ، چیزی نیست که اهمیت نسل جوان را در حادثه‌ی سرنوشت‌سازی مثل جنگ از نظر دور بدارد. این حادثه اتفاق افتاد، اما چشمهای طراحان استکبار جهانی همه‌ی صحنه را دید و فهمید که جوان مومن در این کشور، زیر تربیت اسلام انقلابی، چه معجزه‌ها می‌کند.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۰/۰۸/۱۵

امروز یکی از کارهای اساسی استکبار این است که نسل جوان را در کشورهای اسلامی و هر کشور اسلامی که بیدارتر است، بیشتر از صحنه بیرون کند. کدام کشور اسلامی از همه بیدارتر، از همه زنده‌تر، و از همه بی‌محابات‌تر در مقابل استکبار ایستاده است؟ جز ایران اسلامی؟ پس، جوانان ایران اسلامی بدانند که استکبار برای بیرون راندن آن‌ها از صحنه این مبارزه‌ی که در آن، فتح و پیروزی حتماً نصیب ملت‌هاست و لاغیر، مشغول پول خرج کردن و طراحی انواع نقشه‌هاست. هدف این نقشه‌ها، شما جوانان مومن و انقلابی و شجاعی هستید که ایستاده‌اید، تا هدفهای انقلاب و امامتان را تا آخرین رقم به تحقق برسانید و هر مانعی را از سر این راه بردارید. هر حرکتی که منجر به این بشود که نسل جوان احساس کند باید از صحنه مقاومت کنار بگیرد، این حرکت، با واسطه یا بی‌واسطه، مربوط به امریکا و نظام استکباری است؛ این یک معیار کلی است. هر کاری که در کشورهای دیگر کردند، اینجا هم می‌خواهند بکنند: سرگرم کردن جوانان به مسائل جنسی، سرگرم کردن جوانان به مسائل شخصی، آلوده کردن جوانان به مواد مخدر و مسکر، منحرف کردن ذهن جوانان از آرمان‌های انقلابی و اهداف اصلی، متوجه کردن آن‌ها به اهداف کوچک و جزئی و صنفی و امثال این‌ها، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اسلام، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اصول انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و حتی به امام، و نیز هر چیزی که در راه این مبارزه‌ی عظیم به کار گرفته می‌شود و وجودش لازم است، آن را در چشم نسل جوان، بی‌رنگ و بی‌اثر و بی‌فایده و مهمل جلوه دادن. اگر شما جایی چیزی در این مضمونها دیدید، در کتابی خواندید، در رمان ترجمه‌شده یا نوشته‌شده‌ی مطالعه کردید، در مقاله ترجمه‌شده‌ای یا در شعر و یا در فلسفه‌بافی‌ی مشاهده کردید، حتی در تظاهرات به اصطلاح جسورانه و پرخشمی چیزی از این قبیل دیدید، آن را متهم کنید؛ بدانید که تصادفی نیست؛ بدانید که امریکا از شما می‌ترسد؛ بدانید که بزرگترین پستهای استکبار عالمی، از حضور شما در صحنه، احساس ناامنی می‌کند.

بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا / ۱۳۷۱/۰۴/۲۲

دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط فرهنگ فساد و فحشا سعی می‌کند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی؛ بلکه باید گفت یک «شیبختون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند. چه کسی می‌تواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مومنی که دل به دنیا نیست، دل به منافع شخصی نیست و می‌تواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان باخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می‌تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الان هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.

بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا / ۱۳۷۱/۰۴/۲۲

جوان حزب‌اللهی هم باید باهوش باشد. باید چشم‌هایش را باز کند و نگذارد کسی در صفوف او رخنه کند و به نام امر به معروف و نهی‌از منکر، فساد ایجاد نماید که چهره حزب‌الله را خراب کند. باید مواظب باشید. این، به عهده خودتان است. من یقین دارم - و تجربه‌های این چندسال هم نشان داده - تا نیروهای مومن و حزب‌اللهی برای انجام کاری به میدان می‌آیند، یک عده عناصر بدلی و دروغین، با نام اینها در گوشه‌ای فساد ایجاد می‌کنند تا ذهن مسولین را نسبت به نیروهای مومن و حزب‌اللهی و مردمی چرکین کنند. مواظب باشید. مساله امر به معروف و نهی‌از منکر، مثل مساله نماز است. یادگرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مساله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی‌از منکر کرد؟ البته من عرض می‌کنم - قبلاً هم گفته‌ام - در جامعه اسلامی، تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی‌از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر تکلیف مسولین است. آنها باید وارد شوند. اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهمتر است. عاملی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بدکار، به آن آدم خلافکار، به آن آدمی که اشاعه فحشا می‌کند، به آن آدمی که می‌خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، مردم باید بگویند. ده نفر، صد نفر، هزار نفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند. این، شکننده‌ترین چیزهاست. همین نیروهای مومن و بسیجی و حزب‌اللهی؛ یعنی همین عامه مردم مومن؛ یعنی همین اکثریت عظیم کشور عزیز ما؛ همینهایی که جنگ را اداره کردند؛ همینهایی که از اول انقلاب تا به حال با همه حوادث مقابله کردند، در این مورد مهمترین نقش را می‌توانند داشته باشند. همین نیروهای مردمی، که اگر نبودند - این بسیج اگر نبود، این نیروی عظیم حزب‌الله اگر نبود - در جنگ هم شکست می‌خوردیم؛ در مقابل دشمنان گوناگون هم در این چندسال شکست می‌خوریم و آسیب‌پذیر بودیم. کارخانه ما را می‌خواستند به تعطیلی بکشاند؛ نیروی حزب‌اللهی از داخل کارخانه می‌زد به سینه‌شان. مزرعه ما را در اوایل انقلاب می‌خواستند آتش بزنند؛ نیروی حزب‌اللهی از همان وسط بیابانها و روستاها و مزارع، می‌زد توی دهانشان. خیابانها را می‌خواستند به اغتشاش بکشند؛ نیروی حزب‌اللهی می‌آمد سینه سپرمی‌کرد و در مقابلشان می‌ایستاد. جنگ هم که معلوم است! این، آن نیروی اصلی کشور است. نظام اسلامی متکی به این نیروست. اگر مردم؛ یعنی همین نیروهای مومن و حزب‌اللهی، با نظام باشند، با دولت باشند - که هستند بحمدالله - اگر این نیروی عظیم و این نیروی بزرگ شکست‌ناپذیر مردمی در کنار مسولین و پشت سر مسولین باشد - که بحمدالله هست هیچ قدرتی نمی‌تواند با جمهوری اسلامی مقابله کند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی / ۱۳۷۱/۰۵/۲۱

نمی‌دانم آیا جوانان نسل ما و نسل انقلابی، تاریخچه‌ی این صد و پنجاه، دویست سال را درست خوانده‌اند یا نه؟ من همه‌ی دغدغه‌ام این است که جوان انقلابی امروز، نداند ما بعد از چه دورانی، امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. تاریخچه‌ی این صد و پنجاه، دویست سال اخیر از دوران اواسط قاجار به این طرف؛ از دوران جنگهای ایران و روس به این طرف را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی / ۱۳۷۱/۰۵/۲۱

یکی از کارهای دشمن، این شد که این مجموعه‌های مومن را منزوی کند. جوان، بی‌تجربه است. به مجرد اینکه ببیند در یک دستگاه رسمی کشور مثلاً در یک مرکز فرهنگی کشور دو نفر به او اخم کردند، به او بی‌اعتنایی کردند، او را تحقیر کردند؛ در حرکتش اثر می‌گذارد و او را کند می‌کند. یا مثلاً وقتی ببیند که در مجلات به اصطلاح ادبی و هنری کشور، چهره‌های مخالف با این روش و خط را، بزرگ می‌کنند، برجسته می‌کنند، تعریف می‌کنند، این جوان دلش آب می‌شود و روحیه‌اش را از دست می‌دهد. وقتی یک فیلمساز، اثرش را به مراکز می‌برد که می‌توانند از او استفاده کنند و کاری کنند که بتواند کارش را ادامه دهد؛ اما با بی‌اعتنایی به او می‌گویند: «نه آقا؛ ما این را قبول نداریم. این طورش را قبول نداریم»، و بعد در همان حال ببیند انواع و اقسام کارهایی که از لحاظ مایه‌های هنری از کار او کمتر است اما چون مایه‌ی اسلامی ندارد مورد قبول آن‌هاست؛ این جوان به خودی خود، منزوی و ناامید خواهد شد. من بارها از اعماق جان، قلم برای این جوانان مومن و انقلابی، سوخته و گداخته است. بارها تاسف خورده‌ام که چرا باید به جوانان به این خوبی، بی‌اعتنایی شود؟! این‌ها هیچ چیزشان از آن کسانی که در جاهایی به عنوان هنرمند معروف شده‌اند، کمتر نیست. در بسیاری از امور، از آن‌ها خیلی هم بهترند. اما به این‌ها بی‌اعتنایی می‌شود. وقتی که انسان مطلب را به درستی کاوش می‌کند، می‌بیند سر رشته می‌رسد به اراده‌ی خبثت‌آمیزی در نقطه‌ای! مسولین هم متوجه نیستند. مسولین فرهنگی، مردمان خوبی هستند؛ اما در سطوح بالا، از کارهایی که در سطوح متوسط انجام می‌گیرد، بی‌خبرند. لذا، این جوان، این مجموعه‌ی جوانان و این جریانها را، ناامید می‌کنند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی / ۱۳۷۱/۰۵/۲۱

این ملت، برای اینکه حیثیتش و کیان حقیقی و انسانی و اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملی‌اش حفظ شود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن و تهاجم کردن به نقاط ضعف دشمن دارد. این را خودی‌ها می‌توانند بکنند. من حرفم فقط همین است. من می‌گویم: اگر می‌خواهید هنر این کشور رشد و اعتلا پیدا کند، به هنرمند جوان مومن تکیه کنید. او می‌تواند از اسلام و از انقلاب و از این کشور دفاع کند. و الا آن کارگردان یا تهیه‌کننده‌ای که وقتی فیلم را می‌سازد، از پیش فکر می‌کند که «این نکته را در این فیلم خواهم گنجانم، تا یکی از پایه‌های اعتقادی این نظام را هدف قرار دهم» که از اسلام و انقلاب دفاع نمی‌کند؛ با زبان خاص فیلم و با همان شکلی که در فیلم امکان دارد، کار خودش را انجام می‌دهد. یعنی اکتفا نمی‌کند به اینکه به انقلاب کمک نکند. فیلم می‌سازد برای اینکه به انقلاب حمله کند! از اول که این فیلم را می‌سازد، یا این داستان را می‌نویسد، هدفش این است که کارایی نظام اسلامی را زیر سوال ببرد و بگوید: «این نظام اسلامی، کارایی ندارد». از اولی‌ای که این مقاله را می‌نویسد یا این اثر هنری را تولید می‌کند، هدفش این است که نشان دهد این دولت کارایی ندارد؛ توان اداره ندارد. این، در حال خدمت به مصالح این کشور است یا در حال خیانت؟ به این می‌شود تکیه کرد؟! معلوم است که نمی‌شود تکیه کرد! ما البته تصمیم نگرفته‌ایم کسانی را که خیال کرده‌ایم خدمت نمی‌کنند یا خیانت می‌کنند، یکی‌یکی به قانون معرفی کنیم؛ نه. هنوز خیلی کارها در این کشور در زمینه فرهنگی وجود دارد که باید انجام گیرد. منظورم این است که در محیط‌های فرهنگی، به نیروهای مومن تکیه شود. این‌ها سدی در مقابل تهاجم فرهنگی هستند.

بیانات در دانشگاه امام حسین(ع) / ۱۳۷۴/۰۸/۱۷

عزیزان من! انسان، بخصوص وقتی مانند شما دل به معرفت و کرده باشد، امکان رشد زیادی دارد. جوامع بشری که متشکل از این انسانها هستند، می‌توانند آن‌چنان پیش بروند که دنیاى ظلمانی را پر از نور کنند. این، نوری است که خدا می‌بخشد، اما به دست انسان. «اللّٰهُ وَلِی الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ الِی النُّوْرِ». این، نوری است که شما نشانه‌ی آن را می‌بینید و حضور آن را احساس می‌کنید. این، نور ایمان، نور اسلام، نور محبت و نور دلسوزی برای انسان و انسانیت است. نور دیدن و شناختن ظلم و زشت شمردن ظالم است. این‌ها چیزهایی است که امروز به برکت اسلام، در کشور و در نظام ما هست. شما باید هرچه بیشتر، از این‌ها استفاده کنید. شما باید از این فضا، برای بالندگی و سرفرازی هرچه بیشتر بهره ببرید. شما جوان، مومن و انقلابی هستید. بحمد الله، تربیت‌شده‌ی قرآنیید. محیط پیشرفت آماده است. چشم و دل شما روشن است. پس، باید پیش بروید. لذا، همان‌طور که برادر عزیزمان، سردار فرمانده دانشگاه، یادآوری کردند، من بر همان اصول و موازین گفته‌شده‌ی قبلی، یعنی علمی بودن، نظامی بودن، معنوی و عرفانی بودن، و دائم در حال پیشرفت بودن، تاکید می‌ورزم. من روی نکته‌ی نظامی‌گری دانشگاه، تکیه می‌کنم. دانشگاه در کشور زیاد است و روز به روز هم بیشتر می‌شود؛ اما دانشگاه نظامی، دانشگاهی که به عنوان پشتیبانی علمی و سازماندهی و برای برآوردن همه‌ی نیازهای سازمان عظیمی مثل «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» باشد، باید وجود داشته باشد. به آسانی نمی‌توان از این گذشت و صرف نظر کرد.

بیانات در دانشگاه امام حسین(ع) / ۱۳۷۴/۰۸/۱۷

سپاه پاسداران، این امتیاز بزرگ را دارد که مولود انقلاب است. «لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجال یحیون ان یتطهروا». چهره‌ها و دل‌های پاک و نورانی در این دانشگاه، سرآغاز تولد یک سپاه در سازمان آینده‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. در دوران اول انقلاب، در دوران جنگ و قبل از آمادگی‌های لازم، فرصت این چیزها نبود. نه اینکه آن روز این چیزها بد بود؛ بلکه مجال و امکان نبود. اما امروز، مجال و امکان هست. لذا، این دانشگاه باید مظهر ایمان و تقوا و نظم، مظهر راستی و پاکی و صداقت، و مظهر روشن بینی و روشن‌فکری باشد. این دانشگاه باید به بیرون الگو بدهد. جوانان این دانشگاه، وقتی به بیرون می‌روند، باید الگوی یک جوان مومن و انقلابی باشند و حد اعلا و حد اکثر را به بقیه‌ی نسل جوان کشور، نشان دهند. این، چیزی است که ما از اینجا توقع داریم. بحمد الله، امروز راه نیز همین راه است. باید آن را دنبال کنید و در این راه، تلاش نمایید. تکیه‌ی من روی نظامی‌گری، مثل تکیه روی علم و تقوا و معنویت، بر فلسفه‌ای مبتنی است. ما در انقلاب و در اسلام، ظاهرسازی و صورت بی‌معنا و بی‌روح اصلا نداریم. هر صورتی، معنایی، و هر لفظی، مضمونی دارد. اگر چیزی را توقع داریم، به‌خاطر این است که ریشه‌ی فلسفی آن را با اعتقاد تمام، در دل می‌پرورانیم. در مورد دانشگاه امام حسین هم - که بحمد الله نام و خاستگاه و خصوصیات دیگر، و امروز پرچمش، حسینی است - چنین است. حسینی باشید و حسینی بمانید. خودتان را در میدان حسینی پرورش و رشد دهید و بدانید که طریق سعادت دنیا و آخرت همین است و خدای متعال، به شما کمک خواهد کرد.

بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر / ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

این دعاهایی که مشاهده می‌کنید، دعا‌های معمول امیر المومنین است. دعا و تضرع و انابه‌ی امیر المومنین، از دوران جوانیش بود. آن روزها هم امیر المومنین مشغول بود. زمان پیامبر هم یک جوان انقلابی در میدان همکاری این طوری بود. او همیشه مشغول بود و وقت خالی نداشت؛ اما همان روز هم وقتی نشنستند و گفتند در بین اصحاب پیامبر، عبادت چه کسی از همه بیشتر است؟ «ابو درد» گفت: علی. گفتند چطور؟ نمونه و مثال آورد و همه را قانع کرد که علی از همه بیشتر عبادت می‌کند. زمان جوانی، بیست و چند سالش بود؛ بعد از آن هم که معلوم است. زمان خلافت نیز همین‌طور بود. داستانهای گوناگونی - مثل داستان «نوف بکالی» - از عبادتهای امیر المومنین وجود دارد. این صحیفه‌ی علویه که بزرگان جمع کرده‌اند، ادعیه‌ی ماثوره از امیر المومنین است که یک نمونه‌اش همین دعای کمیل است که شما شبهای جمعه می‌خوانید. من یک‌وقت از امام راحل بزرگوارمان پرسیدم: در بین دعاهایی که هست، شما کدام دعا را بیشتر از همه می‌پسندید و بزرگ می‌شمارید؟ ایشان تاملی کردند و گفتند: دو دعا؛ یکی دعای کمیل، یکی هم مناجات شعبانیه. احتمالاً مناجات شعبانیه هم از امیر المومنین است؛ چون در روایت دارد که همه‌ی ائمه مناجات شعبانیه را می‌خواندند. من حدس قوی می‌زنم که آن هم از امیر المومنین باشد. کلمات و مضامینش هم شبیه به همین کلمات و مضامین دعای کمیل است. دعای کمیل هم دعای عجیبی است. شروع دعا با استغفار است و خدا را به ده چیز قسم می‌دهد. ببینید؛ این استغفاری که من هفته‌ی قبل عرض می‌کردم، این است: «اللهم انی اسالک برحمتک التی وسعت کل شیء». خدا را به رحمتش، خدا را به قدرتش، خدا را به جبروتش - به ده صفت از صفات بزرگ پروردگار - قسم می‌دهد. بعد که خدا را به این ده صفت قسم می‌دهد، می‌فرماید: «اللهم اغفر لی الذنوب التی تهتک العضم، اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل النقم، اللهم اغفر لی الذنوب التی تحبس الدعاء». پنج نوع گناه را هم در آنجا امیر المومنین به پروردگار عرض می‌کند: گناهایی که جلو دعا را می‌گیرند؛ گناهایی که عذاب نازل می‌کنند و یعنی از اول دعا، استغفار است؛ تا آخر دعا هم باز همین استغفار است. عمده‌ی مضمون دعای کمیل، طلب مغفرت و آمرزش است. مناجاتی سوزناک و آتشین در طلب آمرزش از پروردگار است. این، امیر المومنین است. استغفار، این است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۶/۰۶/۲۶

در قضیه‌ی حضرت صدیقه‌ی طاهره سلام‌الله‌علیها، نکات خیلی مهمی وجود دارد؛ لیکن یک نکته که با وضع شما جوانان مومن و انقلابی تطبیق می‌کند، این است که همه‌ی این افتخارات و کارهای بزرگ و مقامات عالی معنوی و دست‌نیافتنی آن انسان والا و آن زن بی‌نظیر تاریخ بشر و سیده‌ی زنان عالم، و ضمناً همه‌ی آن صبرها و ایستادگی‌ها و موقع‌شناسیها و کلمات پربراری که در این زمانها از ایشان صادر شده است همه‌ی این حوادث بزرگ در دوران کوتاه جوانی این بزرگوار اتفاق افتاده است. یک‌وقت این قضیه را به عنوان یک موضوع مرثیه‌سرایی مطرح می‌کنیم و می‌گوییم که این بزرگوار سن کمی داشتند یا جوان بودند، که این، موضوع مصیبت‌خوانی و مرثیه‌سرایی می‌شود. یک‌وقت این را به عنوان یک امر قابل تدبیر و حاوی درسها می‌دانیم و با این چشم نگاه می‌کنیم؛ آن وقت اهمیت ویژه‌ای پیدا

می‌کند.

چگونه یک انسان در دوران کوتاه زندگی، از مبدا کودکی به بعد تا زمان شهادت که معروف این است که آن بزرگوار هجده‌ساله بودند و بعضی هم تا سن بیست و دو و بیست و چهار سال گفته‌اند این همه معارف و این همه علوم مقامات معنوی را به دست آورد! این، حاکی از یک تربیت فوق‌العاده‌ی فوق بشری است. آن زمان که در شعب ابی طالب همه‌ی راههای عافیت بر مسلمانان و وجود مقدس نبی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بسته شده بود؛ نه امکانات زیستی، نه امکانات رفاهی، نه آسودگی خاطر؛ دائم دغدغه‌ی تهاجم دشمنان، دائم خبرهای بد، صدای گریه‌ی کودکان از گرسنگی بلند، انواع ناراحتیهایی که در آن دره‌ی خشک وجود داشت و این عده خانوادگی مسلمان برای مدت سه سال مجبور به اقامت شده بودند و چه سختی کشیدند و همه‌ی این سختیها هم از مبدا یکبارگی این انسانها از کوچک و بزرگ حرکت می‌کرد و روی دوش پیامبر اسلام می‌نشست. چون رهبر بود؛ چون همه به او متکی بودند، همه‌ی دردها را پیش او می‌آوردند، همه‌ی فشارها را او حس می‌کرد در چنین وضعیتی سرشار از سختی و محنت و فشار و ناراحتی ناشی از دعوت در راه خدا و صبر در راه او اتفاقا در همین ایام جناب ابی طالب هم از دنیا می‌رود؛ جناب خدیجه‌ی کبری هم در مدت کوتاهی به رضوان الهی و لقا لله می‌پیوندد و پیامبر، تنهای تنهاست فاطمه‌ی زهرا، این دختر چندساله حالا بنا به اختلاف روایات، پنج‌ساله، شش‌ساله، هفت‌ساله، ده‌ساله تنها کسی است که پیامبر با این عظمت به او تکیه می‌کند. او مثل مادر از پدر بزرگوار خود پذیرایی می‌کند، که این قضیه «فاطمه ام ابیها» مربوط به اینجاست.

این عظمت را ببینید! یک دختر بچه‌ی کم‌سال، در دوران سخت‌ترین محنتها، به فریاد بزرگترین انسانها می‌شتابد! شوخی نیست. همان عنصر است که در طول زمان، در دوران جوانی تا پانزده‌سالگی و شانزده‌سالگی و هجده‌سالگی بالاخره تا آخر عمر کوتاه این همه مقامات معنوی را تجربه می‌کند و این همه کار بزرگ انجام می‌دهد و این همه در تاریخ تشیع و اسلام اثر می‌گذارد و خورشید درخشانی می‌شود که تا دنیا، دنیاست، خورشید درخشان اظهر زهرا اظهر خواهد درخشید. همه‌ی این آثار، از حیات و زندگی و خصوصیات یک جوان نشأت گرفته است.

ببینید جوانی چه ظرفیتی دارد! ببینید جوانی چه شور و شوق و عظمت و گنجایشی دارد! بطور می‌شود در جوانی، بالاترین مقامات معنوی را طی کرد؟! یک‌بار دیگر در زمان ما، در همین جنبه‌هایی که شما آن را تجربه کردید، این اتفاق افتاد. اینکه امام یک‌وقت فرمودند «این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید» به همین خاطر است. من چون خودم وصیت‌نامه‌ها را می‌خواندم و الان هم هر وقت به دستم بیاید، می‌خوانم فهمیده‌ام که امام چرا این نکته را فرمودند. زیرا در این وصیت‌نامه‌ها، گاهی مطالبی وجود دارد که یک دنیا عرفان حقیقی و ناب است. یعنی حتی عرفای برخوردار از علوم دینی و علوم ظاهری، که طبعاً امکان عروج و رشدشان بیشتر است و قهراً پاکیزه‌ترند نه یک عارف سالکی که معرفتی از لحاظ علوم دینی ندارد آنچه را که بعد از مثلا چهل، پنجاه سال مجاهدت، در سن هفتادسالگی، هشتادسالگی احساس و درک و مشاهده می‌کنند، یک جوان به برکت فداکاری مخلصانه، در مدت چند ماه به دست می‌آورد. چیز عجیبی است! ببینید بطور نعمت الهی، بی‌دریغ به سمت دل‌های با‌اخلاص روانه می‌شود!

عزیزان من! اخلاص چیز خیلی مهمی است؛ اخلاص را فراموش نکنید. هر کاری می‌کنید، با‌اخلاص باشد. اخلاص، یعنی هیچ انگیزه‌ی دیگری را جز انگیزه‌ی الهی و رضای پروردگار و انجام ماموریت و مسئولیت خدایی، وارد کار نکنید. این معنایش اخلاص است. این اخلاص، برکت عجیبی دارد؛ اثر طبیعی دارد. یکی از آثارش همین است که ناگهان یک سیر طی الارض و سمایی برای ارواح مستعد به وجود می‌آورد و در طول مدت کوتاهی، این جوان هجده‌ساله، بیست‌ساله سیر می‌کند و حرفهایی می‌زند که انسان وقتی این حرفها را نگاه می‌کند، می‌فهمد که این‌ها حرف آدم معمولی نیست. نمی‌شود کسی که چیزی را نمی‌بیند، به این وضوح از آن حرف بزند.

در طول هشت سال یا بیشتر، در این جنبه‌های نبرد، چشمه‌های معرفت و بصیرت و نورانیت در دل‌های این جوانان باز شد؛ چیزها دیدند، چیزها فهمیدند، مقاماتی را طی کردند، عروج کردند و به چیزهایی رسیدند که اگر به هر سالکی که اهل علم و معرفت هم باشد، بگویند شما چنانچه بیست سال، سی سال عبادت کنید و مخلصانه کار کنید و زحمت بکشید، به اینجا می‌رسید، با شوق و ذوق خواهد رفت. این‌ها به برکت اخلاص فداکارانه در دوران جوانی است. این جوانی، چنین گوهر قیمتی و چنین جواهری است؛ قدرش را بدانید.

قدر این جوانی را بدانید که صفا و نورانیت و معرفت و سلوک و عروج و خدایی شدن و همه‌ی این چیزها، در دوران جوانی آسان به دست می‌آید. درست مثل دستاوردهای دنیوی که در دوران جوانی آسان‌تر از دوران کهنولت به دست می‌آید، مقامات معنوی

بیانات، سال ۱۳۷۶، ص: ۱۰۳

نیز همین‌طور است. جوانی را قدر بدانید و آن را در همین راه درستی که شما در آن حرکت می‌کنید، مخلصانه و صادقانه به کار بیندازید.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران / ۱۳۷۷/۰۲/۲۲

سوال:

وظیفه جوانان حزب‌اللهی و مومن در مقابل کجروپها و سونیتیهایی که در بعضی جاها مشاهده می‌شود، چیست؟ اگر منکر است، وظیفه نهی از منکر است.

عمده‌ترین وظیفه جوانان حزب‌اللهی و انقلابی چیست؟

به نظر من، جوانان انقلابی دانشگاه - چون بحث دانشجو را داریم - سعی کنند خوب درس بخوانند؛ خوب فکر و معرفتشان را بالا ببرند. سعی کنند در محیط خودشان اثر بگذارند؛ فعال باشند، نه منفعل؛ روی محیط خودشان، اثر فکری و روانی بگذارند. این شدنی است. یک جوان گاهی اوقات می‌تواند مجموعه پیرامونی خودش را - کلاس را، استاد را و حتی دانشگاه را - زیر تاثیر شخصیت معنوی خودش قرار دهد. البته این کار با سیاسیکاری به‌دست نمی‌آید؛ با معنویت به‌دست می‌آید، با صفا به‌دست می‌آید، با استحکام رابطه با خدا به‌دست می‌آید. عزیزان من! رابطه با خدا را جدی بگیرید. شما جوانید؛ به آن اهمیت بدهید، با خدا حرف بزنید، از خدا بخواهید. مناجات، نماز، نماز با حال و با توجه، برای شما خیلی لازم است. مبادا اینها را به حاشیه برانید.

بیانات در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهدا(ع) / ۱۳۷۷/۰۷/۲۶

امروز که در جمع شما جوانان برومند انقلاب اسلامی هستیم، برای من روز شیرین و خاطره‌انگیزی است و ان شا الله خاطره‌ای ماندگار خواهد بود. ما به جوانانی مثل شما و به مجموعه‌ای مثل این مجموعه‌ی لشکر سرفراز، افتخار می‌کنیم. از آن وقتی که این لشکر به عنوان تیپ فعالیت می‌کرد و نیز از آن وقتی که تشکیلاتش به لشکر تبدیل شد، بنده با آن آشنا هستیم. سالهای طولانی از آن زمان می‌گذرد و همه‌ی این سالها، همراه با افتخارات و سرفرازیها برای این لشکر بوده است. خدا را شکرگزاریم که جوانان مومن و انقلابی این کشور، در لشکرهایی از این قبیل، حجتی شدند بر بسیاری از دیرباوران که تصور می‌کردند در دوران آغشته به فساد و آلوده به گرفتاریهای مادی که جوانان دنیا به صدها ابتلاک روحی و جسمی و عاطفی و عصبی و فسادهای مختلف گرفتار هستند نمی‌شود جوان یا مجموعه‌ای از جوانان، با دل نورانی، با روح آزاد و با ایمان قوی، راهی را بیمابند که برای انسانهای دیگر آسوه باشد و غیر جوانان به آنها اقتدا کنند و از آنها درس بگیرند. بحمد الله جوانان ما و امثال شما، در این لشکرهای پرافتخار و نورانی، این حقیقت را ثابت کردید که همچنان که دین خدا همیشه زنده است، گوهر انسانیت هم که خلق بزرگ الهی است همیشه زنده است و در شرایط مختلفی، انسانهای مصفا و نورانی و پاک و برجسته و برگزیده، می‌توانند پرورش پیدا کنند و دیگران را به این راه بکشانند و حجت بر دیگران شوند.

بیانات، سال ۱۳۷۷، ص: ۱۴۰

یک دوره، دوره‌ی جنگ و دوره‌ی دفاع مقدس بود و انگیزه‌ها برای حضور جوانان در میدان قدس و تقوا و فداکاری و ایثار، به طور واضح و بارز در اختیار همه قرار داشت. به قدری شعله‌ی مقدس شهادت و ایثار و جهاد، این فضا را روشن و منور کرد که همه‌ی ابرهای تیره‌ی فتنه نفاقها، کفرها و فسادها تحت‌الشعاع قرار گرفتند. نه

اینکه این زاینده‌های وجود شریف انسانی، در دوران دفاع مقدس در کشور ما وجود نداشت. وجود داشت ولی تحت‌الشعاع بود؛ تحت‌الشعاع آن نور درخشانی که از جانهای پاک انسانهای مومن، در میدانهای ایثار و شهادت برمی‌خاست، می‌تابید، شما را نورانی می‌کرد و همه از آن بهره می‌بردند. امام ما که امام نور بود، امام صفا بود، امام قدس و تقوا بود، امام روح بود محض بود از این نورانیت بهره می‌برد و خود او مکرر این را می‌فرمود. آن روز یک قطعه‌ی کم‌نظیر و از جهاتی بی‌نظیر بر تاریخ ما حاکم بود.

بعضی تصور کردند که با تمام شدن جنگ، شمع فروزان معنویت هم در دلها خواهد مرد و خاموش خواهد شد. این اشتباه بود. عده‌ای از جوانان پاک و مومن ما در همان روز با شنیدن قضیه‌ی ختم جنگ، عزا گرفتند و فکر کردند که درهای شهادت و معنویت بسته شد و ما در حصارها ماندیم. البته «ان‌الجهاد باب من ابواب الجنة»؛ جهاد یکی از درهای بهشت است. شکی نیست؛ اما اولاً بهشت صفا و معنویت الهی درهای متعدد دارد، ثانیاً جهاد در میدان جنگ در شور و شوق اینها و جان‌فشانی‌ها یکی از روشهای جهاد است.

بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی / ۱۳۷۹/۰۷/۱۸

امنیت، یک مفهومی اساسی است. امنیتی اجتماعی، امنیتی فردی، امنیتی در همه‌ی محیطهای زندگی، امنیتی فکری و معنوی و روانی، همه‌ی اینها جزو انتظارات مردم است. بخش مهمی از این وظیفه بر دوش نیروی انتظامی است. جوانهای بااستعداد، جوانهای مومن، بحمد الله در این نیرو خود را آماده می‌کنند که به این وظایف بزرگ برسند.

برای همه‌ی شما عزیزان دعا می‌کنم و امیدوارم بتوانید خود را آنچنان که شایسته‌ی این ملت بزرگ است، آماده کنید؛ وظایف خود را آنچنان که شایسته‌ی شماست و متناسب با انتظارات از شماست، به بهترین وجهی به انجام برسانید؛ اتکا به خود، پرداختن به روشهای علمی در همه‌ی بخشهای مختلف، ظهور در چهره‌ی یک نیروی امین، عزیز، سربلند و محبوب.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک / ۱۳۷۹/۰۸/۲۴

من توصیه می‌کنم برادران مسلمان، برادران انقلابی، برادران معتقد به ارزشهای انقلاب، هرچه می‌توانند فاصله‌ی بین خودشان را کم کنند؛ باهم دوست و رفیق باشند؛ باهم همکار باشند؛ علیه یکدیگر جوسازی و فعالیت نکنند؛ اما فاصله را با دشمن‌ها زیاد کنند. اینها توصیه‌هایی است که علی‌رغم دشمنان این ملت، در دل جوانان جا گرفته است. هرچا ما این توصیه‌ها را کردیم، احساس کردیم و دیدیم و تجربه کردیم که این نسل جوان مومن، با دلهای روشن و پاک و صافشان و با روحهای صمیمی‌شان، آن لب مطلب را فهمیدند و به کار گرفتند و فوایدش برای کشور آشکار شد. اینجا نیز همین‌طور خواهد بود. توصیه من این است: در راه خدا، برای خدا و با وحدت کامل، تلاش خودتان را هم مسئولان، هم مردم دنبال کنید و به شما می‌گویم که پروردگار متعال با شماست و آینده متعلق به شماست و شما جوانها روزی را خواهید دید که ایران اسلامی شما به فضل پروردگار برای کشورها و ملتها و دولتها یک الگوی تقلیدکردنی خواهد بود.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

ما از اول انقلاب دوگونه انقلابی داشتیم و انقلابیون ما دوگونه نقش ایفا کردند. بعضی از انقلابیون، انقلابیون مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیون هم انقلابیون منفی بودند. در اوایل انقلاب، انقلابی منفی به آن انقلابی‌ای می‌گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، آنجایی که دردسری داشت، عقب می‌کشید. انقلابی بود، اما انقلابی و جاهت‌طلب و راحت‌خواه؛ انقلابی‌ای که می‌گفت من مبارزهم را قبل از انقلاب کرده‌ام، اکنون دیگر می‌خواهم احترام شوم. بنابراین، چنین کسانی به میدان خطر و دردسر و آنجایی که چهار نفر آدم از انسان گله‌مند می‌شوند، وارد نمی‌شدند. یک عده هم انقلابی مثبت بودند. حاضر بودند آبرویشان را هم خرج کنند. آنجایی که فکر می‌کردند وجودشان می‌تواند کمکی بکند، با همه‌ی وجود حاضر بودند. اگر جبهه بود، یک طور؛ اگر دانشگاه بود، یک طور؛ اگر میدان فرهنگی یا سیاسی بود، وارد میدان می‌شدند. انقلابی منفی، خودش را از کار کنار می‌گیرد؛ اما اگر یک‌وقت کاری هم به دستش افتاد، مثل آدم‌هایی که هیچ کاری در دستشان نیست، حالت منفی‌بافی و شکل اپوزیسیون به خودش می‌گیرد؛ کانه در هیچ کاری مسئولیت ندارد! انقلابی مثبت حتی اگر هیچ‌کاره هم باشد، خودش را مسئول‌ترین افراد می‌داند و وارد میدان می‌شود.

من می‌خواهم به شما عرض کنم: عزیزان! جوانان! انقلابی مثبت باشید. دانشگاه باید انقلابیون مثبت پرورش دهد؛ این ملت و این تاریخ به شما نیاز دارد؛ باید خودتان را آماده کنید. اگر شما در میدان باشید، آینده بسیار درخشانی در انتظار این کشور است. ما امروز از لحاظ بعضی از امتیازات در دنیا بی‌نظیریم؛ از لحاظ بعضی از امتیازات هم کم‌نظیریم. ما از لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی، از لحاظ ارتباط و اتصال این دو بخش عالم و از لحاظ وقوع در منطقه‌ای که از لحاظ اقلیمی دارای شرایط بسیار متنوعی است و برای انواع و اقسام کار آماده است، جزو کشورهای کم‌نظیریم. از لحاظ بعضی از منابع در دنیا بی‌نظیریم؛ حد اقل از لحاظ اجتماع این همه منابع گوناگون زیر زمینی در دنیا بی‌نظیریم؛ نفت و گاز و امثال این منابع از یک طرف، منبع نیروی انسانی از طرف دیگر. ما این همه جوان داریم، آن هم نه جوان گنج بی‌استعداد. جوان ایرانی، جوان بااستعداد و هوشیار و آگاه است.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

امروز ایران بلاشک از دورانی که این سینا و فارابی و خوارزمی و رازی و شیخ طوسی و سایر دانشمندان را پروراند، برای پرورش چنین شخصیت‌های بزرگی به مراتب آماده‌تر است. چرا نمی‌خواهند بگذارند؟ اگر آن‌ها نمی‌خواهند بگذارند، چرا من و شما تسلیم شویم؟ چرا من و شما طبق میل آن‌ها عمل کنیم؟ چرا باید جوان یا سیاستمدار یا فرهنگی ایرانی درست همان کاری را بکند که طراحان سیاسی آمریکا و صهیونیستها و دیگران برای تسلط مجدد خودشان بر ایران به آن احتیاج دارند؟! این ننگ است! هیچ‌کس هم نفهمد، در دل خودمان ننگ است. باید محصول دانشگاه‌های ما، انقلابی مثبت، انقلابی فعال، انقلابی مسئول، انقلابی متعدد و امیدوار باشد؛ که من امیدوارم چنین هم باشد. من به محیط دانشگاه‌ها که نگاه می‌کنم از جمله محیط این دانشگاه عزیز همین را مشاهده می‌کنم.

بیانات در دیدار بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کرمان / ۱۳۸۲/۰۶/۲۹

آنچه که بصیرت و بینش انسان را در فضایی مختلف و در حوادث گوناگون و زیر غبار تبلیغات جنجال‌آمیز دشمنان تضمین و حفظ می‌کند، دل مومن و پاک و نورانی است. حجم تبلیغاتی که دشمنان در طول سالها علیه انقلاب با ترفندهای گوناگون تبلیغاتی به کار برده‌اند، حقیقتاً حیرت‌انگیز است. جوان مومن ما که جان بر کف دست گرفته و آماده‌ی مجاهدت است، در معرض تندباد این تبلیغات قرار دارد؛ اما این تبلیغات گمراه‌کننده و لغزنده نمی‌تواند او را بلغزاند، زیرا حقیقت را می‌بیند و در راه تبلیغات رنگارنگ دشمنان، باطن ظلمانی و خبیث محورها و مراکز که این تبلیغات را به راه می‌اندازند، برای او روشن است. این، نقطه‌ای است که دشمن نمی‌تواند به هیچ کیفیتی آن را نسبت به جوان مسلمان و مومن انقلابی علاج و با آن مقابله کند. دلی که از ایمان برخوردار است و منشا تقوا در اندیشه و عمل است، با تبلیغات دشمنان گمراه نمی‌شود. تبلیغات دشمن غالباً بر روی این متمرکز شده است که بتواند روح ایستادگی و مقاومت را در ملت بزرگ ایران تضعیف کند. آن‌ها خیلی خوب فهمیده‌اند که وقتی یک ملت تصمیم می‌گیرد در مقابل زیاده‌خواهی استکبار بایستد، هیچ نیرویی در مقابل او کارایی ندارد؛ این را فهمیده‌اند و درست هم فهمیده‌اند. سعی‌شان این است که روح ایستادگی و مقاومت را در ملت ایران از بین ببرند.

بیانات در دیدار کارکنان وزارت اطلاعات / ۱۳۸۲/۰۷/۱۲

آن دلی که انسان در آن عشق انومیپل فلان جور دارد، آن دل نیست، گاراز است! بنگاه معاملاتی است! آن دلی که همه‌اش در آن میل جنسی موج می‌زند، دیگر

دل نیست، آن عشرتخانه است. شاعر، آن زمان که ضیاع و عقار و زمین و ملک و گاو و خر در زندگی نقش داشته، از این‌ها نام برده و می‌گوید دلی که این‌ها در آن باشد، آنجا طویله است! ده است! دل، نیست؛ دل جای خداست؛ جای نور است. پروردگارا! این حرفها را اول در خود بنده، بعد در این جمع موثر بفرما؛ توفیق تلاش، کار و خدمت همراه با ایمان و معنویت به همه‌ی ما عنایت کن؛ این جوانهای مومن، صالح و این عناصر خوب را پیش خودت و پیش امام زمان روسفید کن. و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۸/۱۵

الآن دهها کشور از سوخت هسته‌یی استفاده می‌کنند؛ اما کشورهایی که سوخت هسته‌یی را می‌توانند تولید بکنند- که امروز در جریان همین مسئله، این جنجال هسته‌یی ایران را راه انداختند- خیلی معدودند؛ شاید حدود ده کشورند، که یکی از آنها ایران است. همین مساله‌ی سلولهای بنیادی- که من چند بار تا حالا آن را مطرح کرده‌ام- که جوانهای مومن، متعبد و انقلابی ما در آزمایشگاه‌های خودشان توانسته‌اند سلولهای بنیادی را تولید، تکثیر و منجمد کنند و به کار ببرند؛ قلب درست کنند؛ به قلب تزریق کنند؛ به مغز استخوان تزریق کنند، جزو کارهای پیچیده و پیشرفته و مهم دنیاست که وقتی در حدود هفت، هشت ماه قبل سمیناری تشکیل شد و دانشمندان جهانی آمدند و از نزدیک این مسائل را دیدند، باورش‌شان نمی‌آمد؛ حیرت کردند و اعتراف کردند که کار بسیار بزرگی انجام گرفته؛ تلویزیون اعترافهای آنها را پخش کرد. در این کار ایران جزو ده کشور اول دنیاست؛ ما پیش رفته‌ایم. در همین قضایای کارهای زیربنایی، باید بگویم از اولی که سدسازی به این کشور وارد شد تا وقتی که طاغوت از این کشور ازاله شد، ده، دوازده سد، آن هم به دست خارجها، ساخته شده بود که بعضی از آنها اشکالات فنی فراوان داشت؛ اما در دوران انقلاب بیش از هفتاد سد طراحی شده که بسیاری از این‌ها ساخته شده و دهها سد هم الآن از انواع و اقسام بزرگ و کوچک، بتونی و خاکی در حال ساخته شدن است که به‌طور مرتب ساخته و آگیری می‌شود. در این حد انبوه‌سازی سد، آن هم با فناوری بومی و صددرصد به دست متخصصان بومی- آنطور که به من گزارش کردند- باعث شده که ما یکی از پنج، شش کشوری باشیم که می‌تواند با این کیفیت سدهای بزرگ را، آن هم با این حجم انبوه، به وجود بیاورد و بسازد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۸/۱۵

ملت ایران! البته شما این موضوع را می‌دانید، بازم بدانید که دشمن از یک چیزهایی عصبانی می‌شود؛ ما باید حواسمان باشد. دشمن از وحدت ملی ما ناراضی است؛ می‌خواهد این وحدت ملی را از بین ببرد. دشمن از اینکه در سطوح بالای کشور، مسئولان کشور در مسائل اساسی یک نظر و یک عقیده داشته باشند، به‌شدت ناراحت است. آن وقتی که می‌بینند رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و مسئولان گوناگون در باره‌ی فلان مسئله یک‌جور حرف می‌زنند، این‌ها می‌خواهند یقه‌ی خودشان را پاره کنند؛ ناراحتند؛ می‌خواهند اختلاف بیندازند. در این یکی دو سال اخیر شنیدید که شعار حاکمیت دوگانه داده شد؛ عده‌یی بی‌عقل هم در داخل همان حرفهای آنها را تکرار و نشخوار کردند. حرف مال آنهاست. حاکمیت دوگانه چیز نامطلوب و مضر و سم مهلک است؛ اما بعضی‌ها این را شعار دادند! این مال آنهاست. پیداست که مسئولان کشور هیچ‌وقت در همه‌ی مسائل گوناگون و سلائق و سیاستهای مختلف، یک‌جور فکر نمی‌کنند؛ اینکه معلوم است؛ ممکن نیست که یک فکر و یک عقیده در همه‌ی زمینه‌ها مسلط بر همه‌ی ارکان کشور باشد؛ اما آنچه که آنها می‌خواهند، این نیست؛ آنچه که آنها می‌خواهند، اختلاف در مسائل اساسی کشور است؛ از نبود این ناراحت می‌شوند. از اینکه مدیریتهای مومن، فعال، علاقه‌مند و پرنشاط وارد میدان مدیریتهای کلان کشور بشوند و امور را با قدرت تمام به همان راهی که اصول اسلامی و منافع و مصالح ملی ایجاب می‌کند پیش ببرند، ناراحتند؛ از اینکه مردم پشتیبان حکومت باشند، ناراحتند؛ از اینکه جوانهای ما روح جهادگر داشته باشند، ناراحتند؛ از اینکه جوانهای ما مومن باشند، ناراحتند؛ از اینکه جوانهای ما در مراسم مذهبی شرکت کنند، ناراحتند. در همین شبها و در مراسمی که در این شبهای احیا هست، جوانها از طیفهای مختلف در این مراسم شرکت می‌کنند، اشک می‌ریزند، دلها را نرم و به هم نزدیک می‌کنند. اگر این‌ها را نشان بدهند، دشمنان ملت ایران تمام دلشان پر از غم می‌شود. بحمد الله ملت ایران حواسش جمع است. هشیار هستید؛ اما هشیار و متوجه باشید. آنها دلشان می‌خواهد التهاب سیاسی در این کشور باشد؛ آنها می‌خواهند آرامش و استقرار سیاسی در این کشور نباشد؛ آنها می‌خواهند دائم همه یقه‌ی هم را بگیرند؛ این علیه آن حرف بزنند، آن علیه این حرف بزنند. در محیط دانشگاه، در محیط بازار، در محیط سیاست، در محیط اداره، در محیط کارگری، می‌خواهند دائم التهاب و دعوا باشد؛ آنها این را می‌خواهند و برای این کار همه‌ی تلاش خودشان را هم می‌کنند. ملت مواظب باشند؛ جوانها مواظب باشند؛ قشرهای مختلف مواظب باشند؛ ما بحمد الله پیش می‌رویم.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی / ۱۳۸۲/۰۲/۰۵

قبل از انقلاب وقتی ما با جوانهای مومن دانشجویان مواجه می‌شدیم- که آن وقت ما در ارتباط بودند، مسجد ما می‌آمدند، خانه‌ی ما می‌آمدند و در مجامع ما شرکت می‌کردند- می‌دیدیم به برکت روشن‌فکری نو و پیشرفته‌ی اسلامی، در محیط دانشگاه حرف برتر را این‌ها می‌زنند. فعالان چپ آن روز در مواجهه‌ی با این‌ها می‌مانند؛ این یک واقعیت بود. می‌دانید که آن روز تفکرات چپ و مارکسیستی به شکل ملایم‌ترش در محیطهایی مثل کشور ما به عنوان حرفهای نو ترویج می‌شد. البته نو هم نبود، اما به عنوان حرف نو ترویج می‌شد. به دانشگاه‌ها می‌آمدند و ماتریالیسم دیالکتیک و دیگر بحث‌های مارکسیستی را برای بچه‌ها شرح می‌دادند. بچه‌های مذهبی که ریشه‌ی فکرشان در پایه‌های قرآنی و تفسیری مستحکم شده بود، در دانشگاه‌ها مثل سدی در مقابل این‌ها بودند و مثل فولادی در دل حصار این‌ها نفوذ می‌کردند. این هم از میدانهای چالش‌برانگیز ماست. پس در این چالش‌ها، چالش دانایی و علمی هست؛ چالش تولید فکر هست؛ چالش سازندگی و خدمت‌رسانی به مردم هست؛ چالش دفاع سیاسی هست؛ چالش تهاجم سیاسی هست؛ چالش دفاع نظامی هست. در این صحنه‌های متنوع چه کسی می‌تواند وارد شود؟ اگر کسی وارد این صحنه‌ها شد، پس فرزانه و کارآمد و توانا و پیشرفته است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان / ۱۳۸۲/۰۶/۲۹

این جوانهای مومن ما که در میدانهای مختلف- چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود- این‌جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان می‌دهند، امام زمان (سلام‌الله‌علیه) را خرسند و خوشحال می‌کنند. اینکه مردم در کشور اسلامی- حالا در کشور مسلمانان ما- تلاششان این است که بر اداره‌ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را رها نمی‌کنند که دیگران بیابند و برای آنها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمی‌دهند که امتداد خواست‌های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکند، امام زمان را خوشحال می‌کنند؛ امام زمان ناظر است و می‌بیند. انتخابات شما را امام زمان دید؛ اعتکاف شما را امام زمان دید؛ تلاش شما جوانها را برای آذین‌بندی نیمه‌ی شعبان، امام زمان دید؛ حضور شما زن و مرد را در میدانهای گوناگون، امام زمان دیده است و می‌بیند؛ حرکت دولتمردان ما را در میدانهای مختلف، امام زمان می‌بیند و امام زمان از هرآنچه که نشانه‌ی مسلمانی و نشانه‌ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر می‌زند، خرسند می‌شود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان را ناخرسند می‌کنیم. ببینید، چه عامل بزرگی است. این جوانهای مومن ما که در میدانهای مختلف- چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود- این‌جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان می‌دهند، امام زمان (سلام‌الله‌علیه) را خرسند و خوشحال می‌کنند. اینکه مردم در کشور اسلامی- حالا در کشور مسلمانان ما- تلاششان این است که بر اداره‌ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را

رها نمی‌کنند که دیگران بیایند و برای آنها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمی‌دهند که امتداد خواست‌های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکند، امام زمان را خوشحال می‌کنند؛ امام زمان ناظر است و می‌بیند. انتخابات شما را امام زمان دید؛ اعتکاف شما را امام زمان دید؛ تلاش شما جوان‌ها را برای آذین‌بندی نیمه شعبان، امام زمان دید؛ حضور شما زن و مرد را در میدان‌های گوناگون، امام زمان دیده است و می‌بیند؛ حرکت دولتمردان ما را در میدان‌های مختلف، امام زمان می‌بیند و امام زمان از هر آنچه که نشانه‌ی مسلمانی و نشانه‌ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر می‌زند، خرسند می‌شود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان را ناخرسند می‌کنیم. ببینید، چه عامل بزرگی است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) / ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

امروز خوشبختانه ما دانشمندان جوان مومن و تحصیل‌کرده‌های باایمان داریم که می‌توانند یک حرکت علمی فراگیر و به معنای واقعی کلمه، در عرصه‌ی علوم انسانی به وجود آورند؛ از این‌ها باید استفاده بشود. مواظب باشید دچار آن بت‌پرستی نشوید؛ آن کسی که در فلسفه، اقتصاد، علوم ارتباطات و سیاست، همان حرفی که از ذهن یک متفکر غربی درآمده، آن را حجت می‌داند؛ حالا گاهی اوقات آن حرف هم در خود غرب نسخ شده؛ از این نمونه‌ها ما زیاد هم داریم. یک مطلبی را چهل، پنجاه سال پیش، یک فیلسوف اجتماعی یا سیاسی در غرب گفته و بعد آمدند ده تا نقد بر آن نوشته‌اند؛ این آقا تازه به حرف آن پنجاه سال قبل دست یافته و به عنوان حرف نو، به داخل کشور می‌آورد و با به به و چه چه آن را به خورد دانشجوی و شاگرد و محیط خودش می‌دهد؛ از این قبیل هم داریم. چقدر براساس همین نظرات اقتصادی غربی، بانک جهانی و مجامع پولی و مالی جهانی به ملت‌ها و دولت‌ها برنامه‌ها دادند و چقدر از طرف خود غربی‌ها علیه آنها موارد نقض نوشته شده؛ باز هم کسانی را داریم که همان توصیه‌ها را می‌آیند عیناً تکرار می‌کنند و عیناً همان نسخه‌ها را می‌نویسند. این غلط است. تحقیق علمی به معنای فقط فراگیری و تقلید نیست؛ تحقیق، ضد تقلید است. این کار، کار شماست.

بیانات در دیدار اساتید و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۵/۰۷/۱۳

شکی نیست که ما در آغاز کاریم؛ من اول هم گفتم، قدم‌های اولیم. باید این قدم‌ها را پی‌درپی برداریم، باید پیش برویم و باید باور کنیم که «می‌توانیم». من حرفم این است. شما با این باور و با این نگاه همراه با اذعان و قبول قابلیت این جوانهای مومن ما و پیشرفت‌ی که کرده‌اند، کمبودها را یکی‌یکی بشمرید؛ هیچ اشکالی ندارد. این ما را تشویق خواهد کرد به این که این کمبودها را کم کنیم و روز به روز پیش برویم. جوانی هم که از شما این را می‌شنود، همچنین تشویق خواهد شد به اینکه پیش برود و شوق و امید پیشرفت در دل او بیشتر خواهد شد؛ برخلاف اینکه ما نگاهمان، نگاه منفی باشد، نگاه مایوس‌کننده باشد، که این را من قبول ندارم.

بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۶/۰۲/۳۱

مطالبی را برادران و خواهرمان بیان کردند. اگر وقت می‌بود و برای من و جلسه ممکن بود، ترجیح می‌دادم که این یک ساعت دیگر را هم از مطالب و نظرات شما بشنوم؛ ولی همین مقداری که شما عزیزان آمدید و مطرح کردید، بنده را خیلی خرسند می‌کند. آن چیزی که همیشه من آرزو داشتم، از خدا می‌خواستم و برای آن تلاش می‌کردم، در بیانات شما جوانان عزیز بسیجی به طور مجسم مشاهده کردم و آن عبارتست از: وجود یک ذهنیت شفاف و روشن، یک درک متعالی از مسائل کشور و مسائل جهان، اهمیت بسیج و اهمیت حضور جوان در محیط علمی و در محیط سیاسی. نقطه‌نظری که من همیشه تلاش می‌کردم که جامعه‌ی جوان مومن و انقلابی ما، به آنها توجه کند و در آنها پیشرفت کنند، در بیانات عزیزانی که صحبت کردند، فی‌الجمله مشاهده کردم. مطمئنم اگر تعداد بیشتری هم صحبت می‌کردند، این باور و این احساس بیشتر می‌شد.

پیام تسلیت در پی درگذشت آیت‌الله حاج میرزا عبدالکریم حق شناس / ۱۳۸۶/۰۵/۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم ربانی و اخلاقی مرحوم آیت‌الله آقای حاج میرزا عبد‌الکریم حق‌شناس رحمه الله علیه را به بازماندگان محترم و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. این روحانی پرهیزکار و پاک نهاد بخاطر تربیت جوانهای مومن و معرفت جوی در طول دهها سال، حق بزرگی بر گردن همه‌ی مشتاقان معارف اسلامی دارد و امید است برکات ناشی از نفس پاک و موثر ایشان همواره مستدام گردد. خداوند روح مطهر او را با اولیائش محشور فرماید.

سید علی خامنه‌ای

۲/ مرداد/ ۱۳۸۶

بیانات در دیدار دانشجویان نخبه و نقرات برتران کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۶/۰۷/۱۷

توصیه‌ی من به فضای دانشجویی و محیط دانشجویی، همین مطلبی است که عرض کردم؛ یعنی خواستن، مطالبه کردن، داعیه داشتن؛ هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل خاص دانشگاهی؛ همراه با عقلانیت. من از اول انقلاب تا حالا، حتی در آن روزهای هم که روزهای بعضی از تحولات نامتناسب بود و من به دانشگاه تهران می‌آمدم و با جوانها صحبت می‌کردم، عقیده و سلیقه‌ام همین بود که دانشجوی باید از افراط و تفریط پرهیز کند؛ من با افراط‌کاری و زیاده‌روی‌های گوناگون در هر جهتی، موافق نیستم. با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را دنبال کنید و بدانید که خواست و پیگیری شما اثر دارد. این تصور غلط نباد که ذهن بیاید که چه فایده دارد؛ نخیر، کاملاً فایده دارد. اگر مثلاً شعار عدالتخواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده، گفته می‌شد، بعد هم تمام می‌شد، کسی در جامعه پرچم عدالتخواهی را به دست نمی‌گرفت. مطمئن باشید یک دولت عدالتخواه و یک گفتمان عدالتخواهی مثل امروز به وجود نمی‌آید. شماها کردید؛ کار شما جوانها بود؛ به عنوان جنبش عدالتخواهی، به عنوان طرح مسئله‌ی عدالتخواهی - نمی‌خواهم حالا به یک تشکیلات خاص اشاره کنم- این را در دانشگاه‌ها جوانهای مومن، جوانهای متعهد، جوانهای بامسئولیت مطرح کردند، گفتند؛ وقتی تکرار شد، به شکل یک گفتمان عمومی درمی‌آید و نتیجه‌اش را در گزینش‌های مردم، در جهت‌گیری‌های مردم، در شعارهای مردم، در انتخابات مردم، نشان می‌دهد. بنابراین شما یک گام جلو آمدید. من می‌بینم بعضی از دوستان دانشجوی- حالا چه در این جلسه، چه شاید بیش از این؛ در ارتباطات دیگری که با من گرفته می‌شود- نسبت به برخی از مسائل مربوط به عدالت و رفع تبعیض و مبارزه‌ی با فساد، در ذهنشان سوالاتی مطرح می‌شود که خوب حالا چی که دائم گفتیم، بله، گفتید و شد؛ منتها این انتظار که همه‌ی آنچه را که ما خواستیم، در کوتاه‌مدت تحقق پیدا کند، عملی نیست؛ در هیچ شرائطی در کوتاه‌مدت، آرمان‌های بزرگ تحقق پیدا نمی‌کند. آرمان‌های بزرگ احتیاج به استمرار عمل دارد. کار را بایستی به صورت پیگیر دنبال کرد و از آن مایوس نشد تا به نتیجه برسد.

بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرا بسیج / ۱۳۸۶/۰۹/۰۵

ورود بسیج در این جنگ موجب شد که صحنه‌ی جنگ در مقابل چشم حیرت‌زده‌ی همه‌ی مردم دنیا به سود معنویت- که با دست خالی همراه بود، اما سرشار از ایمان بود- رقم بخورد و همه‌ی دنیا در برابر چشم خود ببینند که چطور جوان ایرانی با سرمایه‌ی ایمان، با تکیه‌ی بر خدا، با اعتمادبه‌نفس وارد میدان نبرد می‌شود، پیچیده‌ترین تاکتیک‌های جنگی را طراحی می‌کند و معجزه‌های مثل فتح المبین و بیت‌المقدس در مقابل چشم دنیا می‌گذارد. تاکتیک‌هایی که جوانهای مومن در عملیات بیت‌المقدس- که منتهی شد به آزادی خرمشهر- به کار بستند و طراحی‌ای که آنها کردند، تا امروز هم برای آن کسانی که در مقوله‌های نظامی صاحب‌فکر و نظرند، درس‌آموز است؛ تاکتیک‌های پیچیده، پرتحرک، دشوار، به حسب ظاهر نشدنی، اما به دست معجزه‌گر جوان مومن ایرانی، جوان مبتکر متکی به خدا، عملی

و شدنی و واقع شده، بی‌سابقه بود. این معنویت، این تکیه به نیروهای معنوی و ایمانی، این اعتماد به نفس، این شجاعت، این فقیر شدن همه‌ی جلوه‌های ظاهر زندگی مادی، حرکت در راه رضای خدا، در هیچ جا سابقه نداشت؛ همچنانی که که خود انقلاب اسلامی هم نظیری و سابقه‌ای در تاریخ نداشت.

بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهراهای بسیج / ۱۳۸۶/۰۹/۰۵

موسسه‌ی بسیار فعال و پیشرو روایان، مرحوم دکتر کامپی، افتخار می‌کرد یک بسیجی است. جوانهای مومن و فعال آن، طبیعتشان، جنسشان، جنس بسیج است؛ آنجا هم بسیج، آنجا هم ایمان، آنجا هم اعتماد به نفس، که از خصوصیت بسیجی است. در همه‌ی عرصه‌های زندگی در کشور عزیز ما و در نظام جمهوری اسلامی، بسیج حضور دارد. یک بعدش، این بعد نظامی است و تحرکات نظامی و آموزش‌های نظامی و تربیت نظامی و انضباط نظامی. مثل خود انقلاب مردمی است. هر عنصری، هر فردی، هر مجموعه‌ای که بتواند این خصوصیت انقلاب را با خود همراه داشته باشد، مثل انقلاب ماندگار و جاودانه است؛ مثل انقلاب موثر و فعال و اثرگذار در محیط حضور خود هست.

بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

ملت ایران ابرقدرت‌ها را شناخت، امروز هم می‌شناسد. موضع‌گیری‌های ملت ایران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی در مقابل آمریکای جنایت‌کار، بر اساس همین معرفت عمیق است. امروز کیست که نداند دوران رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا ناامن‌ترین دورانهای تاریخ اخیر بشری است؟ دوران بوش، دوران سیاه و تاریک، دوران ناامن‌تر شدن دنیا، دوران رشد تروریسم در سراسر دنیاست. این مهر باطل و سیاه در تاریخ به نام او خواهد ماند. او البته تا چند ماه دیگر خواهد رفت، مشکلات را به نفر بعدی خود منتقل خواهد کرد، اما این پرونده در تاریخ همیشه گشوده است؛ هرگز بسته نخواهد شد. این‌ها برای جوانان هوشمند ما درس عبرت است. خود را بشناسید، عظمت آن فکری که این انقلاب و این نظام مقدس را پی‌ریزی کرد، بدانید. شعار «نه شرقی، نه غربی»، شعار رد و نفی استکبار و مستکبران، شعار استقلال ملت ایران، شعار اعتماد به این جوانهای مومن در هر نقطه‌ای از کشور، شعارهای زنده و جاوید ماست؛ هرکدام از دل پر حکمتی برخاسته است که با ارتباط با عالم غیب، با ارتباط با خدا، با بندگی خدا، آن مرد بزرگ، آن پیر فرزانه، آن حکیم دلاور آن‌ها را به ما ملت ایران آموخت. عزیزان من! شما جوانان صاحب نیروهای مسلحید؛ نیروهای مسلح مال شماست. کشور هم مال جوانان این کشور است. هرچه می‌توانید جوانان نیروهای مسلح! خودتان را بیشتر با دانش، با عمل، با تقوا و پرهیزکاری و پاک‌دامنی مجهز کنید. بدانید خدا با شماست و ان شا الله دعای حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) پشتیبان شماست.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

جوانهای عزیز! تدین، رعایت دینی، در حد وسع و امکان، این مایه‌ی توجهات الهی است؛ مایه‌ی توفیقات انسانی است؛ مایه‌ی پیشرفت است؛ این را دست کم نگیرید. من می‌خواهم بگویم شما اگر فلائن فرمول ریاضی، یا فلائن عنصر شیمیایی، یا فلائن اختراع را به وجود می‌آورید یا کشف می‌کنید و پیدا می‌کنید و حل می‌کنید، در همان حال توجهتان به خدا، به شما کمک خواهد کرد. اولاً خدای متعال مدد می‌کند شما را؛ کارها دست خداست. شاید گفته باشم من، آن روزی که همین مسئله‌ی سلولهای بنیادی را جوانهای ما داشتند دنبال می‌کردند و کشف می‌کردند، خدا رحمت کند مرحوم مهندس کامپی، رئیس این موسسه‌ی روایان آمده بود با همان جمع پیش من گزارش می‌داد. گفت من تلفن کردم که بینم مهندس جوانی که مشغول تعقیب این قضیه بود، کار را به کجا رسانده- چون مثلاً دیروز گفته بود که فردا کار را تمام می‌کنیم- خانمش بود، گوشی را برداشت و گفت آقای مهندس آن نقطه‌ی آخر را توانسته پیدا کند و افتاده به سجده، دارد گریه می‌کند. وقتی مرحوم مهندس کامپی این قضیه را می‌گفت، هم خودش گریه‌اش گرفت، هم آن جوان که در مجلس بود، گریه‌اش گرفت. بنا کردند گریه کردن. نقش معنویت را دست کم نباید گرفت. با توجه به خدا و تقرب به خدا، با توسل به دامن قدس الهی و ذیل عنایت الهی می‌توان خیلی کارهای دشوار را انجام داد. شماها جوانید. شما با ما فرق دارید؛ این را به شما بگویم. شما خیلی از این جهت جلوتر از ما هستید. دل‌های شما پاک، نورانی، بی‌تعلق، بی‌آلایش، مثل یک آئینه‌ی روشن، بلافاصله نور را منعکس می‌کند؛ آلوده نشده‌اید؛ این را قدر بدانید. با خدای متعال رابطه برقرار کنید. با نماز، با نافله، با تلاوت قرآن، با دعا، با صحیفه‌ی سجاده‌ی. این صحیفه‌ی سجاده‌ی پر از معارف دینی است. با این کار بنیه‌ی دینی و انقلابی خودتان را هم محکم می‌کنید. جوان ما اگر بنیه‌ی دینی‌اش مستحکم باشد، خیلی از این کسانی که در همین شهر شیراز شما و در استان فارس و سراسر کشور- اینجا هم من خبرهایش را دارم- مشغول تلاشند برای منحرف کردن ذهنها به سمتهای گوناگون، وقتی دیدند جوان ما محکم است، می‌کشند کنار. اتحادتان را حفظ کنید، اتحاد! در مقیاس ملت ایران هم حفظ اتحاد یک وسیله‌ی اصلی است؛ در مقیاس قشر دانشجوی هم در سراسر کشور همین است؛ در مقیاس دانشجویان در یک شهر یا در یک استان هم همین است. نگذارید اختلاف سلیقه‌ها شما را در مقابل هم سینه به سینه قرار بدهد. یک‌وقتی بعضی‌ها منافعتشان ایجاب می‌کرد که دانشگاه‌ها را عرصه‌ی بازی‌های سیاسی و درگیری‌ها و دست‌به‌گریبان شدنهای سیاسی قرار بدهند؛ امروز الحمد لله این معانی کمتر است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

در بیانات نماینده‌ی انجمنهای اسلامی دانشگاه شیراز هم حرفهای خیلی خوبی گفته شد که این‌ها حرفهای دل ماست. اینجا هم من این بیان را یک پرداختی بکنم؛ ببینید، شما می‌گوئید که ما شعار عدالت می‌دهیم؛ دانشجوی را می‌گیرند، اما آن کسی را که به عدالت صدمه زده، نمی‌گیرند. قوه‌ی قضائیه چنین، یا دستگاه مسئول چنان، خوب، اینجا شما باید زرنگی کنید؛ یک لحظه از درخواست و مطالبه‌ی عدالت کوتاهی نکنید؛ این شان شماست. جوان و دانشجو و مومن شانس همین است که عدالت را بخواهد. پشتوانه‌ی این فکر هم با همه‌ی وجود، خودم هستم و امروز بجمد الله نظام هست. البته تخلفاتی هم ممکن است انجام بگیرد؛ شما زرنگی‌تان این باشد؛ گفتمان عدالت خواهی را فریاد کنید؛ اما انتقاد شخصی و مصداق‌سازی نکنید. وقتی شما روی یک مصداق تکیه می‌کنید، اولاً احتمال دارد اشتباه کرده باشید؛ من می‌بینم دیگر. من مواردی را مشاهده می‌کنم- نه در دانشگاه، در گروه‌های اجتماعی گوناگون- که روی یک مصداق خاصی تکیه می‌کنند؛ یا به‌عنوان فساد، یا به‌عنوان کج‌روی سیاسی، یا به‌عنوان خط و خطوط غلط. بنده مثلاً اتفاقاً از جریان اطلاع دارم و می‌بینم این‌جوری نیست و آن کسی که این حرف را زده، از قضیه اطلاع نداشته است. بنابراین وقتی شما روی شخص و مصداق تکیه می‌کنید، هم احتمال اشتباه هست، هم وسیله‌ای به دست می‌دهید برای اینکه آن زرنگ قانون‌دان قانون‌شکن- که من گفته‌ام قانون‌دانه‌ی قانون‌شکن خطرناکند- بتواند علیه شما استفاده کند. شما از دادستان چه گله‌ای می‌توانید بکنید؟ اگر یک نفری به‌عنوان مقتری یک شخصی را معرفی کند و بگوید آقا او این افترا را به من زده. خوب، شان آن قاضی این نیست که برود دنبال ماهیت قضیه. اگر این افترا گفته شده باشد، زده شده باشد، ماده‌ی قانونی آن قاضی را ملزم به انجام یک کاری می‌کند؛ لذا نمی‌توانیم از او گله کنیم. شما زرنگی کنید، شما اسم نیاورید، شما روی مصداق تکیه نکنید؛ شما پرچم را بلند کنید. وقتی پرچم را بلند کردید، آن کسی که مجری است، آن کسی که در محیط اجرا می‌خواهد کار انجام دهد، همه حساب کار خودشان را می‌کنند. آن کسی هم که فریاد مربوط به محتوای این پرچم را بلند کرده، احساس دلگرمی می‌کند و کار پیش خواهد رفت. بنابراین به نظر من مشکلی در کار شما نیست؛ شما جوانهای مومنی هستید که انتظار هم از شما همین است. هر شعار خوبی که داده می‌شود، بعد از اتکال به خدای بزرگ که همه‌ی دل‌ها و زبانها و اراده‌ها دست اوست، تکیه به شما جوانهاست، امید به شما جوانهاست؛ این را بدانید. بالاخره همنشهری شما که از او شعر هم خواندید، می‌گوید:

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

که در طریقت ما کافری است رنجیدن
رنجید؛ دنبال کار بروید. همین مطلب را عینا خطاب به آن برادر عزیزی که به عنوان نماینده‌ی جامعه‌ی اسلامی، بسیار متین و شیوا مطالبی را بیان کردند، عرض می‌کنم. این حرفها، حرفهای دل ماست؛ منتها فرق ما و شما این است که ما بر اثر تجربه‌ی روزگار فهمیده‌ایم که یک مقداری باید انسان تحمل و صبر کند، شما جوانید و تازه از راه رسیده و پرشور و بی‌صبر! همه‌اش خوب است، غیر از این بی‌صبری. البته این هم علاج ندارد. نه اینکه بخواهم بگویم خیلی علاج دارد؛ نه، ما خودمان هم این دوره‌ی شما را گذرانده‌ایم، می‌دانیم چه جوری است؛ ولی بالاخره این را من می‌خواهم به شما بگویم که همه‌ی این چیزهایی که شما گفتید و شعارش در این کشور داده شده، به حول و قوه‌ی الهی و به اذن الله تحقق پیدا خواهد کرد.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

از جمله‌ی برترین شعارهای این انقلاب، تعلق این انقلاب به عموم مردم است؛ هیچ قشری، هیچ طبقه‌ای، در نسبت به انقلاب بر دیگران ترجیحی ندارد. جوانهای امروز هم مثل جوانهای دوران دفاع مقدس صاحبان انقلابند. نمی‌شود گفت آن کسانی که انقلاب را به وجود آوردند یا در زمان انقلاب در به وجود آوردن آن سهیم بودند، آنها بیشتر با انقلاب نسبت دارند؛ نه، کسانی بودند که در اصل پیدایش انقلاب حضور نداشتند، اما در دفاع مقدس جان خود را کف دست گرفتند و به میدان آمدند؛ آنها هم به همان اندازه با انقلاب نسبت دارند. در طول این سالهای متمادی بیست‌ساله‌ی بعد از پایان دفاع مقدس، جوانانی به صحنه آمده‌اند که باشعور خود، با شور فوق‌العاده‌ی خود، با علاقه‌مندیهای خود، با انگیزه‌های الهی خود، با تلاش علمی خود، با تلاش اجتماعی و سیاسی خود، بقا این انقلاب و نشاط این انقلاب را تضمین کرده‌اند؛ آنها هم فرزندان انقلابند؛ آنها هم مالکان انقلابند؛ نسبت آنها با انقلاب، مثل نسبت کسانی است که در صدر انقلاب حضور داشته‌اند؛ در آینده هم همین‌جور خواهد بود. طبقه‌ی جوان، نسلهای پی‌درپی- همه- نسبت واحدی با انقلاب دارند؛ همه سهیم در انقلابند و همه سهیم در تکلیف حفظ امانت این انقلابند.

جوانهای امروز ما، جوانهای نسل معاصر ما و جوانهایی که در آینده خواهند آمد، بدانند راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم. بعضی این ثبات قدم را دارند، بعضی در بین راه برمی‌گردند؛ البته این‌ها به ضرر خودشان عمل می‌کنند؛ «فمن نکث فانما ینکث علی نفسه». آن کسانی که از راه انقلاب برگردند، مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ می‌کنند، اما یک ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقنشان تمام می‌شود؛ افطار می‌کنند. این مثل همان کسی است که از اول روز، روزه نگرفته است. باطل کردن روزه در هر زمانی از ساعات روز باشد، ابطال روزه است. در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت، انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع می‌شود. این بی‌وفایی به انقلاب است. همیشه بودند کسانی که به انقلاب بی‌وفایی کردند، به انقلاب دل‌بستگی خود را کم کردند، به انقلاب پشت کردند. وصیت امام این است که جوان ما، مردم ما، نسلهای گوناگون ما، با چشم واقع‌بینانه نگاه کنند. اصل، انقلاب است؛ اشخاص، اصل نیستند. انقلابی بودن به حفظ رابطه‌ی خود و عمل خود و پیوستگی خود با انقلاب است. این نکته‌ی اول.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

نوزده سال است که در یک چنین مناسبتی، ملت ایران زمان و مکان را مظهر عشق و ارادت به امام بزرگوار قرار می‌دهد. اکثر ملت ما جوانانی هستند که دوران زندگی پربرابر امام بزرگوار را درک نکرده‌اند؛ یا متولد بعد از وفات آن بزرگوار هستند یا در دوران ده‌ساله‌ی حیات مبارک امام بزرگوار، پسر بچه‌ها و دختر بچه‌های خردسالی بودند؛ اما همین جوانهای مومن و نورانی در سرتاسر کشور آن‌چنان به امام و یاد او و نام او عشق می‌ورزند که گویی از هم‌صحبتی با امام برخوردار بوده‌اند. همانطوری که در دعای سمات می‌خوانیم: «و آما به و لم تره صدقا و عدلا؛ ایمان خالصانه و پاک بدون اینکه دوران حیات آن بزرگوار و صحبت آن بزرگوار را درک کرده باشنند؛ مخصوص ملت ما هم نیست. در بسیاری از مناطق جهان و کشورهای مسلمان، همین احساس در باره‌ی امام بزرگوار ما وجود دارد. این ناشی از دو عامل بزرگ است: یکی عظمت امام و ابعاد گوناگون شخصیت او که یک شخصیت استثنائی در دوران معاصر، بلکه در دورانهای نزدیک به ماست. یکی هم به خاطر عظمت این انقلاب است. عظمتی کاری که امام بزرگوار با ایمان خود، با تدبیر خود، با اراده و عزم راسخ خود در این برهه‌ی از زمان انجام دادند؛ برپا کردن انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی. عظمت این انقلاب هم حاکی از عظمت امام بزرگوار ماست. این انقلاب یک معجزه‌ی الهی بود.

پیام به کنگره اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان / ۱۳۸۷/۰۵/۱۰

بسمه تعالی
سلام بر شما جوانان عزیز
امیدواریم این گردهمایی، شما را به بصیرت و صبر که نیاز جوان دانش‌ور امروز است، هرچه نزدیکتر کند. از این فرصت‌ها و از فرصت جوانی برای اعتلای معنوی و فکری بهره بگیرید. کشور شما به نسل جوان مومن و اندیش‌مند و پرانگیزه، از همه چیز و از همیشه بیش‌تر نیازمند است.
همه شما را به خدای حکیم و علیم می‌سپارم.
والسلام علیکم ورحمه‌الله
سید علی خامنه‌ای

پیام به نهمین نشست سالیانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل / ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم
جوانان عزیز
دست یافتن به آرزوهای بزرگ ملی، نیازمند فکر روشن و عزم راسخ و شجاعت و اخلاص است، و جوان مومن که مبانی جمهوری اسلامی و راه امام بزرگوار را عمیقاً پذیرفته است، امید بخش‌ترین نیروی است که میتواند ملت ایران را در رسیدن به آرزوهای بزرگش یاری برساند.
نقشه‌ی راه برای رسیدن به پیشرفت و عدالت در دهه‌ی چهارم را فقط با ادعان به این حقیقت میتوان ترسیم کرد.
از خداوند بزرگ کمک بخواهید و به یاری او امیدوار باشید.
دعای حضرت بقیه‌الله پشنتیان شما باد.
۳/ شهریور/ ۱۳۸۷
سید علی خامنه‌ای

بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی / ۱۳۸۷/۱۰/۱۹

من لازم است از همه‌ی ملت که در راه پیمانی‌ها و تظاهرات و شعارها موضع و عزم خودشان را نشان دادند، تشکر کنم؛ بخصوص از جوانهای مومن و پرشوری که به فرودگاه‌ها- در تهران و بعضی جاهای دیگر- رفتند؛ که ما را بفرستید. خوب، دست ما بسته است؛ دست ما بسته است. ما اگر می‌توانستیم آنجا حضور پیدا کنیم، لازم بود حضور پیدا کنیم و پیدا هم می‌کردیم؛ ما ملاحظه‌ی کسی را هم نمی‌کردیم؛ منتها امکان ندارد؛ این را همه بدانند. دولت جمهوری اسلامی و مسئولین جمهوری اسلامی هر کاری که ممکن باشد که کمک به آن ملت مظلوم باشد، می‌کند، تا حالا هم کرده، بعد از این هم خواهد کرد. منتها جوانهای ما، جوانهای

پرشوری‌اند. این نسل جوانهای امروز ما با این کارشان نشان دادند که مثل همان نسل کربلا ۵- که همین روزها، روزهای یادآور خاطره‌ی کربلا ۵- است و نسل و الفجر ۳ و عملیات خیبر و عملیات بدراند. این جوانهای امروز هم مثل همان جوانهای بیست و پنج سال پیش، سی سال پیش آماده‌ی میدان‌اند.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / ۱۳۸۸/۰۲/۲۹

انسان دلش خون میشود از بعضی از این قضایا؛ برون تو کوی دانشگاه، جوانها را، دانشجویها را - آن هم دانشجویهای مومن و حزب‌اللهی را، نه آن شلوغ‌کن‌ها را - مورد تهاجم قرار بدهند، آنوقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون میشود از این حوادث.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / ۱۳۸۸/۰۲/۲۹

با وجود این همه عوامل انحراف، بحمد الله ملت ما مومند، خدادوستند، دین‌شناسند، به معنویت علاقه‌مندند. امروز جوانها در دنیائی که مادگی‌گری بر آن حاکم است، غرق در حیرت و آشفتگی‌اند؛ دوری از معنویت آنها را دچار آشفتگی کرده است؛ نمی‌دانند چه بکنند؛ متفکرانشان هم مانده‌اند؛ و بعضی از آنها فهمیده‌اند که راه اصلاح کارهایشان مراجعه به معنویت است. ولی چه جور می‌توانند معنویت ازدست‌رفته را، معنویت را که دو قرن است در کشورهای غربی دایما با وسایل گوناگون کوبیده شده است، می‌خواهند برگردانند؛ کار آسانی نیست. اما ملت ما این‌جور نیست. ملت ما در این مجرای عظیم معنویت حرکت کرد، با معنویت توانست یک انقلاب با این عظمت را به پیروزی برساند، با معنویت توانست در این دنیای مادی یک نظام اسلامی را که متکی به معنویت است، برافرازد، پایه‌های آن را محکم کند و آن را در مقابل تهاجم‌ها و طوفانهای گوناگون حفظ کند. ملت ما یک جنگ هشت‌ساله‌ی تحمیلی را با تکیه به همین معنویت توانست با سرافرازی و پیروزی طی کند. امروز هم جوانهای ما اکثرا جوانهای مومن و معنوی هستند. حتی آن کسانی که بظاهر گرایش معنوی در سیمای آنها نیست، انسان در مواقع حساس می‌بیند دلپایشان متوجه خداست. بارها من عرض کرده‌ام که در این شبهای قدر، در این روزهای اعتکاف، در این مراسم نماز عید فطر، چه افرادی، چه اشخاصی که انسان گمان نمی‌کند، دلپایشان را متوجه خدا می‌کنند.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) / ۱۳۸۹/۰۲/۱۴

من می‌خواهم عرض بکنم به جوانان عزیزمان، جوانهای انقلابی و مومن و عاشق امام، که حرف می‌زنند، مینویسند، اقدام می‌کنند؛ کاملا رعایت کنید. اینجور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده‌ی حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ کس نباید ظلم کرد.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) / ۱۳۸۹/۰۲/۱۴

امام به وعده‌ی الهی اطمینان داشت. ما برای خدا مجاهدت می‌کنیم، قدم برای خدا برمی‌داریم، همه‌ی تلاش خودمان را به میدان می‌آوریم؛ نتیجه را خدای متعال - آن‌چنان که وعده فرموده است - تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار می‌کنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. راه انقلاب، صراط مستقیم انقلاب این است.

یکی از چیزهایی که در همین زمینه وجود داشت، رعایت تقوای عجیب امام در همه‌ی امور بود. تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل‌تر است، خیلی مهم‌تر است، خیلی اثرگذارتر است. ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه می‌گوئیم؟ اینجا تقوا اثر می‌گذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ در باره‌ی او چگونه قضاوت می‌کنید؟ اگر قضاوت شما در باره‌ی آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد، این تعدی از جاده‌ی تقواست. آیه‌ی شریفه‌ای که اول عرض کردم، تکرار می‌کنم: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً». قول سدید، یعنی استوار و درست؛ این‌جوری حرف بزنیم. من می‌خواهم عرض بکنم به جوانان عزیزمان، جوانهای انقلابی و مومن و عاشق امام، که حرف می‌زنند، مینویسند، اقدام می‌کنند؛ کاملا رعایت کنید. این‌جور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن‌کس از جاده‌ی حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ‌کس نباید ظلم کرد.

من یک خاطره از امام نقل کنم. ما یک شب در خدمت امام بودیم. من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلان‌کس چیست - نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ یکی از چهره‌های معروف دنیای اسلام در دوران نزدیک به ما، که همه نام او را شنیدند، همه می‌شناسند - امام یک تاملی کردند، گفتند: نمی‌شناسم. بعد هم یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی راجع به آن شخص گفتند. این تمام شد. من فردای آن روز یا پس‌فردا - درست یادم نیست - صبح با امام کاری داشتم، رفتم خدمت ایشان. بمجردی که وارد اتاق شدم و نشستم، قبل از اینکه من کاری را که داشتم، مطرح کنم، ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سوال کردید، «همین، نمی‌شناسم». یعنی آن جمله‌ی مذمت‌آمیزی را که بعد از «نمی‌شناسم» گفته بودند، پاک کردند. ببینید، این خیلی مهم است. آن جمله‌ی مذمت‌آمیز نه فحش بود، نه دشنام بود، نه تهمت بود؛ خوشبختانه من هم بکلی از یادم رفته که آن جمله چه بود؛ یعنی یا تصرف معنوی ایشان بود، یا کم‌حافظگی من بود؛ نمی‌دانم چه بود، اما این‌قدر یادم هست که یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی بود. همین را ایشان آن شب گفتند، دو روز بعدش یا یک روز بعدش آن را پاک کردند؛ گفتند: نه، همان نمی‌شناسم. ببینید، این‌ها اسوه است؛ «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه».

در باره‌ی زیدی که شما او را قبول ندارید، دو جور می‌شود حرف زد؛ یک‌جور آن‌چنانی که درست منطبق با حق است، یک‌جور هم آن‌چنانی که در آن آمیزه‌ای از ظلم وجود دارد. این دومی بد است، باید از آن پرهیز کرد. درست همانی که حق است، صدق است و شما در دادگاه عدل الهی می‌توانید راجع به آن توضیح دهید، بگوئید، نه بیشتر. این یکی از خطوط اصلی حرکت امام و خط امام است که ماها باید به یاد داشته باشیم.

بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم / ۱۳۸۹/۰۷/۲۹

یک نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوانهای پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده کشور شماها هستند؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ نهاد حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوانهای انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلا اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای انقلابی‌گری، اینها نیست.

انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درک کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمی‌شود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مایوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم اینجوری دوست میدارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد؛ واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف.

بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم / ۱۳۸۹/۰۷/۲۹

یک نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوانهای پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده کشور شماها هستند؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه‌ای انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ نیادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوانهای انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه میزند، زیاده‌روی هم ضربه میزند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای انقلابی‌گری، اینها نیست. انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درک کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمیشود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مایوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد، رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم اینجوری دوست میدارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ای انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام میگیرد؛ واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف

بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۹۱ / ۱۳۹۱/۰۱/۰۱

این رسانه‌های الکترونیکی و اینترنتی متأسفانه موجب شده است که افراد بی‌محابا علیه یکدیگر حرف بزنند، بد بگویند. باید از طرف مسئولین کشور برای این هم یک جوری تدبیر بشود. ولی عمده این است که خود ما مردم، خودمان را مقید کنیم به اخلاق اسلامی؛ خودمان را مقید کنیم به قانون. حالا این حرف من بهانه‌ای نشود برای اینکه یک عده‌ای بروند جوانهای انقلابی را به عنوان جوانهای تند، مورد ملامت و شماتت قرار بدهند؛ نه، من همه‌ی جوانهای غیر کشور را، جوانهای مومن انقلابی کشور را فرزندان خودم میدانم و پشت سر آنها قرار میگیرم؛ من از جوانان انقلابی و مومن و غیور حمایت میکنم؛ منتها همه را توصیه میکنم به این که در رفتار خود، با اخلاق اسلامی رفتار کنند؛ قانون را مراعات کنند. همه باید قانون را مراعات کنند. تجسم انقلاب در قانون جمهوری اسلامی است. مسئولان کشور هم همین جور. هم دولت حریم مجلس را حفظ کند، هم مجلس حریم دولت و رئیس جمهور را حفظ کند؛ با هم باشند، در کنار هم باشند. این معنایش این نیست که همه یک جور فکر کنند؛ معنایش این است که اگر دو جور فکر میکنند، دست‌به‌گریبان نشوند. هر گونه مخالفت ما با یکدیگر، هر گونه دعوا و نزاع ما با یکدیگر، دشمنان را امیدوار میکند، خوشحال میکند.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۲/۰۵/۰۶

آنچه که من یادداشت کردم که به شما عرض کنم - البته این حرفها مربوط به مجموعه‌های دانشجویی است، لیکن قابل تعمیم به کل کشور و قشرهای مختلف جوان در کشور است - یکی این است که جوان، دانشجوی و عنصر انقلابی نسبتش با آرمانهای انقلاب چیست؟ بنده معتقدم که آرمانهای انقلاب - که چهارچوبهای مشخص است، بنده هم بعضی‌ها را تصریح خواهم کرد و اسم خواهم آورد - بدون نیرو و نشاط و جسارت جوانی، قابل تعقیب و قابل دسترسی نیست. نسبت شما با آرمانها، اینچنین نسبی است. عقیده‌ی من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی، و اگر نشاط و روحیه و حالت تحرک، و همچنین جسارت، یعنی خطشکنی‌ها، که در جوانها به عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمانها دست پیدا نخواهیم کرد. لذا جوانها در زمینه‌ی دسترسی به آرمانها و تحقق آرمانهای انقلاب و آرمانهای اسلامی، دارای مسئولیتهای بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالائی هم دارند. هر کسی که در پی تحقق آرمانها است، باید نقش جوانها را جدی بگیرد؛ و بدانید بنده نقش جوانها را جدی میگیرم. آنچه که من در مورد جوانها، چه جوان دانشجوی - البته بخصوص جوان دانشجوی - و چه غیر دانشجویان، بارها بر زبان آوردم، تعارف زبانی نیست؛ اعتقادم این است و معتقدم که جوانها میتوانند گره‌گشائی کنند. البته مهم این است که میدان کار را، میدان تحرک را بشناسند، آن را درست تعریف کنند؛ کاری را هم که میخواهند انجام دهند، درست تعریف کنند.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان / ۱۳۹۲/۰۷/۱۷

من به شما جوانهای عزیز که فرزندان انقلابید و فرزندان نظام اسلامی هستید، این را هم بگویم: دشمنی جبهه‌ای که امروز در مقابل ایران اسلامی قرار گرفته و دشمنی میکند، متمرکز روی همین نقطه‌ی قدرتمند شدن ایران است؛ نمیخواهند این اتفاق بیفتد. این نگاه کلان را باید در همه‌ی حوادث و قضایا - قضایای سیاسی، قضایای اقتصادی، قضایای گوناگون بین‌المللی و منطقه‌ای که مربوط به کشورتان است - همواره در نظر داشته باشید، فراموش نکنید. یک جبهه‌ی سیاسی پر قدرتی امروز در دنیا وجود دارد که نمیخواهد ایران اسلامی تبدیل بشود به یک کشور قدرتمند، از اول انقلاب هم همین‌جور بود. من این را برای شما نقل بکنم: در سال ۵۷ که انقلاب اسلامی در ایران به‌وجود آمد و آن غوغای عظیم را در دنیا به راه انداخت، یک عده از نخبگان درحی یک سیاسی غرب - مثل کیسینجر، مثل هانتینگتون، مثل ژوزف نای، این چهره‌های برجسته‌ی نخبه‌ی سیاسی آمریکا و اروپا - یک سلسله مقالاتی را در همان اوائل انقلاب، در طول یک مدتی منتشر کردند؛ مضمون این مقالات و این نوشته‌ها هشدار به دستگاه سیاسی غرب - به نظام سیاسی غرب، دولت‌های غربی - بود؛ به آنها هشدار میدادند، میگفتند، این انقلابی که در ایران اتفاق افتاده، به معنای تغییر یک هیئت حاکمه و جابه‌جایی هیئتهای حاکمه فقط نیست، این به معنای ظهور یک قدرت جدیدی است در منطقه‌ی به قول آنها خاورمیانه - که بنده این تعبیر را به‌هیچ‌وجه دوست ندارم - و به قول ما در منطقه‌ی غرب آسیا؛ یک قدرت جدیدی دارد ظهور میکند که ممکن است از لحاظ تکنولوژی و علم به پای قدرتهای غربی نرسد، اما از لحاظ نفوذ سیاسی و قدرت تصرف در فضای پیرامونی خود، از قدرتهای غربی یا بالاتر است یا هم‌وزن آنها است و برای آنها چالش ایجاد خواهد کرد. این را آنها آن روز هشدار دادند، اعلام خطر کردند. این به معنای این است [که] از نظر آنها بروز و ظهور یک چنین قدرتی به معنای این بود که بساط نفوذ غرب در این منطقه‌ی حساس و ثروتمند و بسیار مهم استراتژیکی، این نقطه‌ی وصل سه قاره به یکدیگر و مرکز نفت و مرکز ثروت و مرکز کانی‌های مهم مورد نیاز بشر، که غرب اصرار داشته است همیشه بر اینجا تسلط داشته باشد - تسلط سیاسی، تسلط اقتصادی و طبعاً تسلط فرهنگی - از دست غرب خارج خواهد شد یا لاف‌تسلطشان دچار تزلزل خواهد شد؛ این را آن روز حدس زدند و البته درست فهمیدند.

پیام شفاهی به تشکل‌های دانشجویی انقلابی / ۱۳۹۲/۱۱/۲۳

سلام مرا به فرزندان انقلابی‌ام برسانید و از تلاشهای جهادگونه‌ی آنان در ترویج و پاسداری از آرمانهای امام و انقلاب تشکر کنید و چند نکته را به آنان یادآوری کنید:
 (۱) در کنار تحصیل علم و دانش، از فرصت جوانی برای تهذیب نفس و انس با خدا و آشنایی عمیق با معارف قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) بهره ببرید.
 (۲) شما افسران جوان جنگ نرم هستید و عرصه‌ی جنگ نرم، بصیرتی عمارگونه و استقامتی مالک‌اشتروار میطلبد؛ با تمام وجود، خود را برای این عرصه آماده کنید.
 (۳) نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تحلیل کنید و برای رویارویی با آن، تمام ظرفیتهای خودتان را به کار بگیرید و در این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشید.
 (۴) تشکیلات میتواند معبد باشد، ولی مبادا تبدیل به معبود گردد؛ اصول و ارزشهای عقیدتی و معنوی خودتان را در قالب تشکیلات حفظ، و بر صمیمیت و همدلی بین اعضا تاکید کنید.
 (۵) افقهای روشنی در مقابل شما جوانان قرار دارد، این کشور و انقلاب با دست پرتوان شما آینده‌ای امیدبخش در پیش‌رو خواهد داشت؛ بر تلاشهای خود بیفزایید و برای رسیدن به قله‌های پیشرفت و تعالی از همدیگر سبقت بگیرید.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

واقعیت دیگری که از آن نباید غفلت کرد، انگیزه‌های دینی در نسل امروز انقلاب است. یک‌وقت است که ما پیرمردهایی که از دوره‌ی انقلاب باقی مانده‌ایم، ما انقلابی باقی مانده‌ایم اما جوانهای ما از دست رفته‌اند؛ می‌بینیم این‌جوری نیست. ما امروز، جوان انقلابی بسیار داریم، در سرتاسر کشور داریم، از همه‌ی قشرها داریم، در دانشگاه‌ها بسیار داریم، جوانی که هم متدین است، هم انقلابی است؛ به اعتقاد من این جوان از جوان انقلابی اول انقلاب شانش بالاتر است. چرا؟ چون آن‌روز اولاً آن انقلاب با آن عظمت و پرهیجان اتفاق افتاده بود؛ ثانیاً آن‌روز اینترنت نبود، ماهواره نبود، این همه تبلیغات گوناگون نبود، این جوان در معرض این همه آسیب نبود، جوان امروز در معرض این همه آسیبها است؛ اینترنت جلوی او است، این همه تلاش دارد میشود برای اینکه این جوان را منحرف کنند، [اما] این جوان متدین باقی میماند؛ نمازخوان است، به نماز اهمیت میدهد، نماز شب میخواند، نافله میخواند، در مراسم مهم دینی شرکت میکند، پای انقلاب می‌ایستد، شعارهای از دل برآمده میدهد؛ اینها چیزهای مهمی است. نسل امروز انقلاب، به نظر ما یکی از افتخارات بزرگ است. این یک واقعیتی است، باید این را دید.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

یک مسئله هم مسئله فرهنگ است؛ که آقایان هم حالا معلوم شد که نگرانی دارید، بنده هم نگرانم. مسئله فرهنگ، مسئله مهمی است. اساس این ایستادگی، این حرکت و در نهایت ان‌شاءالله پیروزی، بر حفظ فرهنگ اسلامی و انقلابی است و تقویت جناح فرهنگی مومن، تقویت این نهالهایی که روییده است در عرصه فرهنگ؛ بحمدالله جوانهای مومن خوبی داریم در عرصه فرهنگ و هنر؛ فعالیت کردند، کار کردند؛ حالا بعضی جوانند، بعضی دوره‌ی جوانی را هم گذرانده‌اند؛ ما عامل فرهنگی کم نداریم. ما حتما در مسئله فرهنگ [باید توجه کنیم]، دولت محترم هم باید توجه کند، دیگران هم توجه کنند. بنده هم در این نگرانی با شما سهیم هستم و امیدوارم که مسئولین فرهنگی توجه داشته باشند که چه میکنند. با مسائل فرهنگی شوخی نمیشود کرد، بی‌ملاحظگی نمیشود کرد؛ اگر چنانچه یک رخنه فرهنگی به وجود آمد، مثل رخنه‌های اقتصادی نیست که بشود [آن را] جمع کرد، پول جمع کرد یا سید کالا داد یا بارانه نقدی داد؛ این‌جوری نیست، به این آسانی دیگر قابل ترمیم نخواهد بود، مشکلات زیادی دارد. و واقعا باید قدر جوانان مومن و انقلابی را همه بدانند، همه؛ این جوانان مومن و انقلابی‌اند که روز خطر سینه سپر میکنند، هشت سال جنگ تحمیلی میروند توی میدان؛ اینها هستند. افرادی که نسبت به این جوانها با چشم بدبینی نگاه میکنند یا مردم را بدبین میکنند، خدمت نمیکند به کشور؛ به استقلال کشور، به پیشرفت کشور، به انقلاب اسلامی خدمت نمیکند. این جوانها را باید حفظ کرد، باید از اینها قدردانی کرد، امروز هم بحمدالله کم نیستند و زیادند. [نباید] با عناوین گوناگونی بخواهیم این جوانهای مومن را طرد کنیم و منزوی کنیم؛ که البته منزوی هم نمیشوند؛ آن جوانهای مومن پراکنده، با این حرفها منزوی نمیشوند اینها؛ لکن خب، ما باید قدر اینها را بدانیم. و آخرین مطلب، مسئله گفتمان‌سازی است. این مطالبی که عرض کردیم، اینها فقط نصیحت و درددل بین ما نیست که شما بگویید بنده بشنوم، بنده بگویم شما بشنوید، باید اینها به صورت گفتمان در بیاید. گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن‌چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند؛ این با گفتن حاصل میشود؛ با تبیین لازم - تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون - حاصل میشود؛ با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

اما آنچه نقطه‌ی مهم‌تر عرض من است، خطاب به جوانهایی است که در سرتاسر کشور فعالیتهای فرهنگی را به صورت خودجوش شروع کردند که بحمدالله خیلی هم وسیع شده است. من میخواهم بگویم آن جوانهایی که در تهران، در شهرهای گوناگون، در استانهای مختلف، در خود مشهد، در بسیاری از شهرهای دیگر کار فرهنگی میکنند، با اراده‌ی خودشان، با انگیزه‌ی خودشان - کارهای بسیار خوبی هم از آنها ناشی شده است که از بعضی از آنها ما بحمدالله اطلاع پیدا کردیم - کار را هرچه میتوانند به‌طور جدی دنبال کنند و ادامه بدهند. بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوانهای مومن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملت، ایفا کرده است. علاوه بر اینها، مراجع فرهنگی، مراجع فرهنگی یعنی چه کسانی؟ یعنی علما، اساتید، روشنفکران انقلابی، هنرمندان متعهد، اینها نگاه نقادانه خودشان را نسبت به اوضاع فرهنگی کشور همچنان داشته باشند و تذکر بدهند. البته من در مورد تذکرات، معتقدم باید با منطق محکم و با بیان روشن، نقطه نظرات صحیح را ارائه بدهند. با تهمت‌زنی و جنجال‌آفرینی، بنده موافق نیستم؛ با تکفیر کردن و متهم کردن این و آن، بنده موافق نیستم. اعتقاد من این است که مجموعه‌ی انقلابی کشور - که بحمدالله تعداد بی‌شماری از آنها در بین جوانهای ما، در بین صاحب‌نظران ما، اساتید ما، بزرگان ما، تحصیل‌کرده‌های ما حضور دارند - میتوانند با منطق محکم وارد میدان بشوند، نقادی کنند. نقاط ضعف را و نقاط منفی را به رخ ما مسئولین بکشاند. گاهی میشود که مسئول، متوجه نیست چه دارد میگردد در متن جامعه، اما آن جوان در متن جامعه است، او میفهمد؛ آن عزم ملی و مدیریت جهادی که عرض کردیم در زمینه‌ی فرهنگ، این است.

بیانات در یادمان شهدای شرق کارون / ۱۳۹۲/۰۱/۰۶

من به شما عرض میکنم، نگذارید یاد دوران دفاع مقدس از یادها برود. آمدن به این مناطق جنگی - چه در تعطیلات نوروزی و چه در دوره‌ی سال؛ که بحمدالله حالا در دوره‌ی سال هم کسانی از سرتاسر کشور به این مناطق مسافرت میکنند و این سرزمین‌ها را زیارت میکنند - بسیار کار پسندیده‌ای است، کار درستی است، کار علاقه‌انگیزی است که ملت ایران میکند؛ خاطره‌ی این سرزمین‌ها را زنده نگه دارید. این سرزمین‌ها، این بیابانها، این رود کارون، این جاده‌ی اهواز - آبادان یا اهواز - خرمشهر، این مناطق گوناگون که با اسمهای مختلفی امروز خودشان را به شما معرفی میکنند، اینها شاهد برترین فداکاری‌ها و مجاهدتها و از خودگذشتگی‌ها بوده‌اند. بنده فراموش نمیکنم در آن ماه‌های اول جنگ - در آن ماه‌های محنت، نبودن نیرو، نبودن امکانات، نبودن آموزش، نبودن انسجام و سازماندهی، در آن سختی همه‌جانبه‌ی مادی - جوانهای ما با روحیه‌های خوب، از همین اهواز می‌آمدند به مناطق مختلف؛ از جمله همین‌جا، منطقه‌ی دارخوین. یک مشت از جوانهای مومن و حزب‌اللهی که من اشخاصشان را هم بعضا می‌شناسم، آمدند در همین روستای محمدیه که نزدیک است، سنگرهای انفرادی میکنند؛ در تاریکی شب از این سنگرهای انفرادی می‌آمدند بیرون و صد متر دوپست متر جلوتر میرفتند، باز آنجا سنگر میکنند؛ تمام روز را زیر این آفتاب داغ خوزستان در سنگرها میمانند، سختی‌ها را تحمل میکردند، خود را به دشمن نزدیک میکردند؛ تا وقتی که نوبت عملیات رسید که در مهر ماه سال بعد از حمله - در آخر شهریور ۵۹ حمله‌ی دشمن شروع شد، در مهر ۶۰ - در این منطقه‌ی دارخوین و همه‌ی این مناطق اطراف، با نیروهای رزمنده ارتش و سپاه و بسیج و غیره، توانستند پاداش آن مجاهدتها را بگیرند و به ملت ایران هدیه کنند؛ اینها پاداهای ارزشمندی است، نباید بگذارید این پاداهای فراموش بشود.

بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور / ۱۳۹۲/۰۲/۱۷

یک مسئله در دستگاه مدیریتی آموزش و پرورش، مسئله نیروها است. همین‌طور که اشاره کردند، آموزش و پرورش بزرگ‌ترین مجموعه‌ی حکومتی در نظام جمهوری اسلامی است. بیش از یک میلیون [نفر] موظفین در این تشکیلات عظیمند که با بیش از دوازده میلیون مستقیم، و با بیش از ده‌ها میلیون - یعنی با خانواده‌ها - غیر مستقیم، سروکار دارند. این‌چنین شبکه‌ی عظیمی، خیلی مهم است. نیروهایی که باید در این شبکه‌ی عظیم به‌کار گرفته بشوند، باید خصوصیات داشته باشند. یکی از این خصوصیات این است که پراکنده باشند، بانشاط باشند؛ از نیروهای خسته، فرسوده، بی‌ابتکار - کسانی که هرچه بلد بودند، به کار زدند، دیگر هیچ کاری بلد نیستند - نباید به‌عنوان عناصر اولویت‌دار استفاده کرد. اولویت با نیروهای جوان، بانشاط، پراکنده، متدین، انقلابی و کسانی است

که مسئله‌ی آنها در آموزش و پرورش، همان مسئله‌ی اصلی آموزش و پرورش باشد؛ یعنی تربیت انسانها؛ از اینها باید استفاده کرد؛ این یک مسئله است. بنابراین در مدیریتهای کلان و سطح بالای آموزش و پرورش، اولین مسئله به نظر من این است که نگاه کنند، ببینند از چه نیروهایی استفاده میکنند؛ از نیروهای مومن، انقلابی، بانشاط، علاقه‌مند، عاشق کار خود، و آماده‌ی ورود در میدانهای دشوار در محدوده‌ی اهداف آموزش و پرورش؛ این مهم‌ترین کار است.

بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور / ۱۳۹۳/۰۲/۱۷

مراقب باشید! جوری با مسائل گوناگون آموزش و پرورش برخورد بشود که مسئله‌ی مدیر هر بخش از این دستگاه عظیم و عریض‌وطول، مسئله‌ی «آموزش» و «پرورش» باشد؛ تربیت انسان باشد، تربیت نیروی انقلاب باشد. برادران، خواهران، عزیزان! من همین‌جا عرض بکنم: اینکه ما تکیه میکنیم بر روی نیروهای انقلابی و نیروهای متدین، به‌خاطر این است که ما راه طولانی در پیش داریم؛ این ملت راه طولانی در پیش دارد. هدفی که ما برای جمهوری اسلامی، بر اساس آموخته‌های عمومی انقلاب در نظر گرفتیم - «ما» که عرض میکنم، مراد این حقیر نیست؛ مراد، ملت ایران و مسئولان انقلاب است؛ صاحبان انقلاب - آن هدف، هدف خیلی والایی است. هدف، ایجاد یک جامعه‌ی نمونه است. شما میخواهید در محدوده‌ی ایران عزیز - که از لحاظ جغرافیایی در یک نقطه‌ی بسیار حساسی از دنیا هم واقع شده است - یک جامعه‌ای بسازید که به برکت اسلام و زیر پرچم قرآن، الگو باشد؛ هم الگو از لحاظ مادی و پیشرفتهای مادی، هم در عین حال الگو از لحاظ معنویت و از لحاظ اخلاق.

بیانات در دیدار مردم استان ایلام در سالروز ولادت امیرالمومنین علیه‌السلام / ۱۳۹۳/۰۲/۲۲

ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»؛ اقتصاد مقاومتی یعنی ما اگر به نیروی داخلی، به ابتکار جوانها، به فعالیت ذهنها و بازوها در داخل، تکیه کنیم و اعتماد کنیم، از فخر و منت دشمنان خارجی، خودمان را رها خواهیم کرد؛ راه درست این است. معنای اقتصاد مقاومتی این است که ما نگاه کنیم، ظرفیتهای بی‌پایانی را که در داخل هست جستجو کنیم، شناسایی کنیم، با برنامه‌ریزی درست و صحیح این ظرفیتهای را فعال کنیم، این استعدادها به کار گرفته بشوند. من یکی دو روز پیش گفتم در یک دیداری؛ هرجایی که ما به ابتکار و استعداد جوانانمان تکیه کردیم، آنجا ناگهان مثل چشمه‌ای جوشید، شکوفا شد؛ در قضایای مربوط به مسائل هسته‌ای، در قضایای مربوط به مسائل دارویی، در درمانهای گوناگون، در سلولهای بنیادی، در نانو، در این برنامه‌های صنعتی دفاعی، هرجایی ما سرمایه‌گذاری [کردیم] و به این نیروی جوان و علاقه‌مند و مومن و بااخلاص داخلی تکیه کردیم و به او ارج نهادیم، کارمان پیش رفت؛ خوب، به این برسیم. مسائل اقتصادی هم همین‌جور است؛ ظرفیتهای اقتصادی باید فعال بشود؛ این راه پیشرفت کشور است. آنوقت کشور، هم از لحاظ مادی و اقتصادی، هم از لحاظ اعتبار بین‌المللی، هم از لحاظ عزت ملی و اعتمادبه‌نفس ملت ایران، و هم از لحاظ معنوی و اخلاقی و روحی پیشرفت خواهد کرد. این راهی است که امیرالمومنین در مقابل ما قرار داده است.

□